

## بازخوانی مفهوم "نشوز" در قرآن، فقه و قوانین مدنی ایران؛ ضرورت بازنگری در قوانین خانواده با نیم‌نگاهی به قوانین کشورهای اسلامی و اروپایی

میثم سالمی<sup>1</sup> حسین احمدی (نویسنده مسئول)<sup>2</sup> سیدمحسن رزمی<sup>3</sup>

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mnks254@gmail.com

<sup>2</sup> دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) ahmari.hosein@yahoo.com

<sup>3</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. @iau.ir0943111862

نویسنده مسئول: ahmari.hosein@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1404/04/17 تاریخ پذیرش: 1404/07/27

### چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم «نشوز» در قرآن کریم، تفاسیر فقهی و قوانین مدنی ایران می‌پردازد. با تحلیل آیات ۳۴ و ۱۲۸ سوره نساء و بررسی آرای ۱۷ مفسر شیعه و سنی، همچنین مطالعه بیش از ۲۰ مقاله علمی در ۱۵ سال اخیر، نشان می‌دهد که «نشوز زن» مفهومی چندبعدی و مورد اختلاف است. تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برداشت‌های سنتی از نشوز غالباً تحت تأثیر پیشفرض‌های مردسالارانه قرار داشته و نیازمند بازنگری بر اساس معیارهای قرآنی است. یافته‌ها حاکی از آن است که بهترین تعریف برای نشوز، «بی‌میل شدن زوج یا زوجه به همسر و گرایش به زن یا مرد دیگر همراه با ناسازگاری» است که به آن «رابطه فرازنشویی» گویند، که دلایل آن نیاز به بررسی دقیق دارد. این ادعا با تحلیل ۴ آیه قرآنی که واژه‌ای از ریشه «نشز» دارند، تقویت می‌شود. این تعریف باعث می‌شود سایر رفتارهای زن که صرفاً مخالف میل شوهر است، به‌اشتباه نشوز تلقی نشود. در آیه ۳۴ سوره نساء، مدیریت خانواده به مرد سپرده شده، اما هدف نهایی، اصلاح زن ناشزه و حفظ کیان خانواده با روش‌های عاقلانه و محترمانه است. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که رویکرد قرآنی در مقایسه با قوانین خانواده در کشورهای عربی (مانند مراکش) از انعطاف بیشتری برخوردار بوده و بر جنبه‌های تربیتی تأکید دارد. در مقابل، آیه ۱۲۸ راه‌حل مقابله با نشوز مرد را «صلح» می‌داند، حتی اگر به قیمت گذشت زن تمام شود. با این حال، آیات پس از آن (مانند آیه ۱۳۰) در مواردی که بدرفتاری مرد ادامه یابد، جدایی را جایز می‌شمارند. مقاله با مقایسه تطبیقی قوانین سایر کشورها پیشنهاد می‌کند قوانین خانواده ایران با این نگاه بازبینی شود تا همخوانی بیشتری با کرامت انسانی و اهداف قرآن داشته باشد. پیشنهادهای اصلاحی این تحقیق شامل: 1) تدوین تعریف دقیق حقوقی از نشوز 2) الزام به مشاوره خانواده قبل از هر اقدام قضایی 3) ایجاد نهادهای میانجی‌گری تخصصی 4) بازنگری در مجازات‌های مرتبط با نشوز می‌باشد. این تغییرات می‌تواند منجر به کاهش آمار طلاق و ارتقای سلامت روابط خانوادگی در جامعه شود.

**کلیدواژه:** آیه ضرب، نشوز، سوره نساء، روابط فرازنشویی، حقوق زنان، قوانین خانواده، تفسیر تطبیقی

### 1- مقدمه

مفهوم «نشوز» در آیات 34 و 128 سوره نساء از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوق خانواده اسلامی است که اختلاف‌نظرهای عمیقی در تفسیر آن، به ویژه درباره معنای «ضرب» وجود دارد. این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی به بررسی این مفهوم از سه منظر تفسیری، فقهی و حقوقی می‌پردازد. در حالی که فقهای سنتی «ضرب» را به معنای فیزیکی می‌گیرند، مفسران معاصر آن را به جدایی یا قاطعیت تأویل می‌برند. مطالعه حاضر نشان می‌دهد نظام حقوقی ایران با تکیه بر تفاسیر سنتی، با چالش‌هایی مانند تعارض با استانداردهای حقوق بشر مواجه است. این مقاله با مقایسه تطبیقی با کشورهای مانند مراکش و فرانسه، به دنبال ارائه راهکارهایی برای بازتعریف این مفهوم در قانونگذاری معاصر است. هدف نهایی، یافتن تفسیری انسانی‌تر از نشوز است که هم به مبانی اسلامی وفادار باشد و هم پاسخگوی نیازهای جامعه امروز باشد.

مطالعه حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی جامع مفهوم «نشوز» در چارچوب حقوق خانواده اسلامی می‌پردازد. این پژوهش با اتکا بر روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی، داده‌های خود را از منابع معتبر فقهی، حقوقی و مطالعات میان‌رشته‌ای استخراج نموده است. نوآوری این تحقیق در ارائه تحلیلی نظام‌مند از تمامی ابعاد این مفهوم و انجام مقایسه‌ای تطبیقی با نظام‌های حقوقی معاصر است که می‌تواند چارچوبی علمی برای بازنگری در سیاست‌گذاری‌های حقوقی فراهم آورد.

این تحقیق چهار محور اساسی را مورد کنکاش قرار می‌دهد:

تعریف شناسی نشوز: تبیین دقیق مصادیق رفتاری که از سوی زوج یا زوجه به عنوان نشوز قلمداد می‌گردد

پیامدهای روانشناختی: بررسی دغدغه‌ها و نگرانی‌های ناشی از بروز پدیده نشوز در روابط زناشویی

الگوی مواجهه: تحلیل شیوه‌های تعامل با طرفی که مرتکب نشوز شده است

ریشه‌یابی: شناسایی عوامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای نشوز‌آمیز

درک صحیح این مفاهیم مستلزم انجام پژوهش معناشناختی عمیق است. همانگونه که برای واژه «ضرب» در قرآن کریم معانی متعددی بیان شده، برای مفهوم «نشوز» نیز می‌بایست با بررسی بافت زبانی و سیاق آیات، به برداشتی دقیق و همه‌جانبه دست یافت. این رویکرد تفسیری، کلید حل مسائل پیرامونی مربوط به علل و شیوه‌های برخورد با نشوز خواهد بود. این پژوهش با نگاهی نو به بازتعریف این مفهوم کلیدی در حقوق خانواده می‌پردازد و با ارائه تحلیلی نظام‌مند، گامی در جهت توسعه دانش حقوقی در این حوزه برمی‌دارد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنای علمی برای اصلاحات قانونی و ارتقای کیفی روابط خانوادگی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق: سیر تحول مطالعات نشوز در متون فقهی و حقوقی

مطالعه نظام‌مند پیشینه پژوهش نشان می‌دهد موضوع نشوز از سه منظر اصلی مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. مطالعات فقهی کلاسیک:

آثار فقه‌های امامیه مانند شیخ طوسی در «المبسوط» و محقق حلی در «شرایع الاسلام» با تمرکز بر جنبه‌های شرعی نشوز همچنین تفاسیر اهل سنت از جمله «تفسیر قرطبی» و «احکام القرآن» ابن عربی که به تحلیل فقهی آیات پرداخته‌اند و در نهایت می‌توان به محدودیت این مطالعات به دلیل عدم توجه به ابعاد اجتماعی و روانشناختی موضوع اشاره داشت.

۲. پژوهش‌های حقوقی معاصر:

تحقیقات دهه‌های اخیر درباره انطباق قوانین مدنی با موازین شرعی و مطالعات تطبیقی مانند کارهای انصاری (۱۳۹۵) درباره نظام حقوقی خانواده همچنین ضعف این تحقیقات در پرداختن به جنبه‌های کاربردی و راهکارهای عملی از موارد پژوهش‌های معاصر می‌باشد.

۳. مطالعات میان‌رشته‌ای نوین:

در این زمینه پژوهش‌های ترکیبی حقوقی-جامعه‌شناختی مانند تحقیق محمدی (۱۳۹۸) و آثار بین‌المللی نظیر مطالعات آن-نعیم (۲۰۰۲) درباره حقوق خانواده در جهان اسلام همچنین تحقیقات فمینیستی اسلامی که نگاهی انتقادی به تفسیرهای سنتی دارند را می‌توان نام برد.

خلأهای پژوهشی موجود:

بدلیل عدم بررسی نظام‌مند همه دیدگاه‌های فقهی معاصر و نبود مطالعه تطبیقی جامع با نظام‌های حقوقی دیگر کشورها از سویی و از سوی دیگر کم‌توجهی به ابعاد روانشناختی و جامعه‌شناختی نشوز، همچنان نیازمند مطالعات و پژوهش‌های وسیع‌تری است.

تمایز پژوهش حاضر:

این تحقیق با پوشش دادن خلأهای فوق و با استفاده از منابع دسته اول فقهی و حقوقی، همچنین بهره‌گیری از جدیدترین مطالعات میان‌رشته‌ای، گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین برداشته است.

## ۱. نشوز در لغت و اصطلاح

«نشوز» جمع «نشز» بر وزن «فلس» به معنای عصیان و برتری می‌باشد. (مقری، اَبی تا، ص 605 / خوانساری، 1389، ص 433) اسم فاعل آن «ناشز» و «ناشزه» می‌باشد، به معنای مرد یا زن نافرمان و سرکش، و در مقابل «مطیع» به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، اَبی تا، ص 706)

صاحب جواهر می فرماید: نشوز از لحاظ لغوی به معنای ارتفاع است؛ گفته می شود: «نشز الرجل ینشز»؛ هنگامی که مرد نشسته باشد پس به پا خیزد. و قول خداوند متعال: «و اذا قیل انشزوا فانشزوا»؛ هرگاه گفته شود که برخیزند، پس برخیزند. (نجفی، 1981، ص 200)

کلمه «نشوز» از ریشه «نشز» به معنای «برآمدن، ارتفاع گرفتن و بلند شدن»<sup>1</sup> و در لغت عرب به زمین مرتفع «نشز» گفته می شود. فعل «نشز» نیز به معنای «سرکشی کردن و برتری جستن» است.

در لسان العرب: به معنای «خروج از اطاعت و فرمانبرداری» و در مقاییس اللغة: «امتناع و سرباز زدن از انجام وظیفه» همچنین در المفردات فی غریب القرآن به «خروج از حالت اعتدال در رفتار» اطلاق می شود.

## ۲. معنای نشوز در میان مفسرین و مترجمین



### ۲/۱. تفسیر التحریر و التنویر متعلق به آقای ابن عاشور (1384 هـ ق)

در جلد چهارم از صفحه 112 تا صفحه 120، به تفسیر آیه 34 سوره نسا (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۖ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۗ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ۚ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا).

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانه، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر]ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می کنند. و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجوید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است.)

پرداخته و این تفسیر به زبان عربی بوده و از تفاسیر اهل تسنن محسوب می گردد.

<sup>1</sup> ناسازگاری کردن شوهر با زن یا زن با شوهر. لغت نامه دهخدا (دهار) (از روزنی)

نشوز که نافرمانی زن از شوهرش می باشد از نگاه ابن عاشور به این نحو نیز توضیح داده شده که زن نسبت به شوهرش کراهت پیدا کرده و حتی ممکن است به مردی دیگر تمایل پیدا کرده باشد.

اکثر فقها گفته اند: نشوز عصیان زن از شوهرش است و سرپیچی و امتناع کردن از او و اظهار کراهت و ناسازگاری زن نسبت به شوهر، یعنی اظهار کراهت و ناسازگاری ای که به صورت معمول از آن زن دیده نشده باشد.

## ۲/۲. محمدرشید مفسر المنار

در خصوص نشوز زن نیز توضیحاتی را اینچنین بیان داشته است:

نشوز یعنی زن نسبت به حقوق مرد حالت برتری به خود می گیرد و از مرد خود را بالاتر گرفته و برخلاف فطرت خود عمل می کند. ناشز مانند قسمتی از زمین می ماند که مرتفع شده و از حالت استوا خارج شده است. برخی صرف توقع نشوز رفتن از زن را، مصداق خوف نشوز دانسته اند. یعنی پیش بینی نشوز کردن معادل نشوز کردن می باشد و برخی دیگر در صورت عملی شدن نشوز، آن را نشوز می دانند. و حال اینکه چرا به جای لفظ علم، خوف آمده است؟ و یا نکفت زنانی که نشوز کردند و نیاورد و اللاتی ینشزن؟

حتما در این تعبیر قرآن حکمت لطیفی است. خداوند متعال می خواسته وقوع نشوز از زن را یک امر بعید بیان دارد زیرا نظام خانواده را یک نظام همراه با مودت و محبت بیان داشته و اگر نشوز اتفاق بیافتد، خارج از نظام فطرت و طبیعت است. در این تعبیر اشاره لطیفی به جایگاه زن داشته و جایگاه زن بالاتر از ناشزه بودن می باشد. و حال اگر زنی نشوز کرد باید مرد با عقلانیت و سیاست او را نصیحت و موعظه کند و موعظه نسبت به زنها تنوع ها دارد و اگر موعظه جواب نداد، مرد از زنش دوری می کند. دوری کردن نیز یک راه کار برای تربیت و ادب کردن زنی است که همسرش را دوست داشته و به آن اشتیاق دارد اما دچار نشوز نیز شده است. بعضی از مفسرین در خصوص هجر از جمله ابن جریر الطبری می گویند: «أن المرأة التي تنشز لا تبالی بهجر زوجها بمعنى إعراضه عنها و قالوا ان معنى «وَاهْجُرُوهُنَّ» قیدوهن من هجر البعير اذا شده بالهجر و هو القيد الذي يقيد به. ابن جریر طبری می گوید زنی که نشوز می کند، بی توجهی شوهرش برای او مهم نیست و در واقع معنی وهجرهون را باید به معنای قیدوهن من هجر البعير گرفت.

این نظر ابن جریر مورد تائید مفسر نیست چرا که این قبیل مفسرین، بدون شناخت از اخلاق و طبع زنها این نظر را داده اند، چنانکه بسیاری از زنها با وجود علاقه به همسرشان، از سر بی عقلی نسبت به همسرشان نشوز می کنند، مانند زنی که برای امتحان شوهرش و اثبات علاقه همسرش به خودش و دیگران، نشوز می کند و مثال دیگر این می باشد که زن نشوز می کند برای رسیدن به تمایلاتش همچون طلا و جواهر و غیره و گاه خانواده زن او را تحریک به نشوز کردن نسبت به شوهرش می کنند. (تفسیر المنار، ج 5، ص: 71)

برخی از مفسرین گفته اند مراد از هجرت کردن مرد برای ادب کردن زن ناشزه از محل استراحت و رختخواب به این دلیل می باشد که نشوز زن در همین راستا بوده و در واقع بدلیل اینکه زن در رختخواب از مردش دوری کرده، برای تادیب او، مرد نیز از رختخواب دوری می کند. بعضی از مفسرین نیز می گویند هجر مقید شده به پابند کردن زن است تا او را ولو با اکراه به آنچه میلش ندارد، مجبور ساخت. زمخشری می گوید این تفسیر سنگینی است و معنای صحیح آن همان تفسیر و معنای ظاهری است که به ذهن خواننده می رسد.

مفسر المنار می گوید و بیشتر فقیهان، نشوز شرعی را که مجوز زدن به هنگام نیاز است به چند مورد خاص محدود ساخته اند؛ مثل سرباز زدن از خواسته مرد در بستر، بیرون رفتن از منزل بدون ضرورت و برخی آرایش نکردن زن را از مصادیق نشوز شمرده اند. همچنین گفته اند مرد حق دارد زن را به خاطر ترک تکالیف دینی مثل غسل و نماز بزند. ظاهراً نشوز معنایی گسترده تر از اینها دارد و هرگونه عصیان و سرکشی از سوی زن را که انگیزه اش تکبر و خودکامگی باشد شامل می شود. و آیه شریفه نیز که می فرماید: «پس اگر از شما اطاعت کردند، دیگر راهی برایشان مجوید» همین را می رساند. (تفسیر المنار، ج 5، ص: 76)

## ۲/۳. تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن نوشته محمد جواد بن حسن بلاغی نجفی (1349 ه ق)

از مفسرین شیعه، در جلد 2 از صفحه 104 تا صفحه 109 به تفسیر آیه 34 سوره نساء پرداخته و این تفسیر به زبان عربی می باشد. مفسر در تشریح حافظات للغیب و نشوز زن اینچنین بیان داشته است که:

بما حفظ الله یعنی به نحوی که خداوند دستور بر حفظ آن در شریعت با اوامر و نواهی و احکامش و با آن حقوقی که خداوند به صورت مفصل در قرآن بیان داشته است و در سنت آمده است بلکه در خیلی از جاها در حقوق عرفی نیز این مسایل تبیین شده است و می بایست به حفظ شرف

شوهر بپردازند. نشوز زن در این آیه یعنی زن از طاعت همسرش سرپیچی کرده و طغیان نماید از تمرد از همسرش. در بحث نشوز می بایست توجه داشت که نشوز تدریجاً رخ می دهد و خروج از طاعت و حفظ حقوق و واجبات در قبال شوهر شروع می شود و بروز این ظواهر نشوز در اعمال و اخلاق زن، هشدار رسیدن زن را به درجات بالاتر نشوز می دهد و آن هم طغیان در خروج از همراهی با شوهرش خواهد بود. تخافون در آیه یعنی هنوز در اوایل نشوز کردن زن می باشیم پس در اینجا خداوند اجازه داده است که زن را نصیحت کنیم چون هنوز زن در مراحل اولیه نشوز می باشد و بایستی در این مرحله زن را به عواقب نشوزش متذکر شویم و حال خوب زنان مطیع را، مورد تذکر برای زن ناشزه قرار دهیم. (آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج 2، ص: 106)

#### ۲/۴. تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی اثر شهاب الدین سید محمود آلوسی بغدادی (1252 ه ق)

از مفسرین اهل سنت، در جلد 3 از صفحه 23 تا صفحه 29 به تفسیر آیه 34 سوره نساء که به زبان عربی می باشد، پرداخته است. در تفسیر المعانی نیز شان نزول آیه مذکور، ماجرای سعد بن الربیع بیان شده است و نشوز در تفسیر روح المانی نیز عصیان و سرپیچی زن از همسرش معنا گشته و تخافون به معنای عملون می باشد و مراد تحقق پیدا کردن نشوز است و نه ترس از وقع نشوز و پیش بینی آن. مراد از تخافون، دوام نشوز زن می باشد یا مراتب مختلف نشوز مانند فرار زن از همسرش در رختخواب.

#### ۲/۵. تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب اثر فخر رازی

از مفسرین اهل سنت در اوایل قرن هفتم هجری قمری، در جلد 10 از صفحه 70 تا صفحه 75 به تفسیر آیه 34 سوره نساء پرداخته که به زبان عربی می باشد. مفسر الکبیر در توضیح آیه در خصوص انواع نشوز می گوید: آیه در ابتدا ویژگی زنان صالح را بیان داشته و سپس از زنان غیر صالح می گوید.

بدان که خوف عبارت از حالی است که حاصل می شود در قلب هنگامی که گمان حدوث امری مکروه در آینده برود. شافعی می گوید که نشوز می تواند قولی یا فعلی باشد. قولی مانند اینکه وقتی همسرش صدا کرد او را، پاسخ دهد و زمانی که شوهرش او را مخاطب قرار داد، با او خاضعانه سخن گوید و اگر اینچنین نباشد، می شود نشوز در قول. و فعلی مانند اینکه شوهر وارد خانه می شود زن در مقابل او بلند شود یا اینکه اگر امری می کند، سریع به سمت انجام آن برود و زمانی که از او همبستری می خواهد، سریع مبادرت به این امر نماید که اگر خلاف این زن عمل کند، می شود نشوز فعلی. این احوالی که گفته شد، خوف از نشوز را می رساند. نشوز معصیت زوجه است و سرکشی علیه شوهر می باشد و از نظر لغتی یعنی ارتفاع گرفتن شی را نشز شیء می گویند. به زمین مرتفع نیز نشز گفته می شود. (التفسیر الکبیر، ج 10، ص: 72)

#### ۲/۶. تفسیر من وحی القرآن اثر سید محمد حسین فضل الله (1399 ه ق)

از تفاسیر شیعه به زبان عربی در جلد 7 از صفحه 226 تا صفحه 251 به تفسیر آیه 34 سوره نساء پرداخته است. در این تفسیر، نشوز یعنی عصیان و استکبار و سرکشی زنان از شوهرشان.

#### ۲/۷. راغب اصفهانی

می گوید: نشوز زن، بغض و کینه زن از شوهرش و سرپیچی از اطاعت شوهر می باشد و به غیر شوهرش چشم دارد و البته این تعبیر راغب در کتب لغت دیگر آورده نشده است.

#### ۲/۸. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن (1373 ه ق)

از صفحه 648 به بعد در خصوص آیه 34 سوره نساء توضیحات ذیل را ارائه کرده و این تفسیر نیز به زبان عربی می باشد که البته توسط مراکز انتشاراتی به فارسی ترجمه شده است؛ زنان ناصالح هم آنانی هستند که راه نشوز و گریز پائی را در پیش می گیرند. (واژه نازش، از ایستادن بر نشز، به معنی جایگاه برجسته زمین، برگرفته شده است). نشوز تصویر محسوسی از یک حالت نفسانی است. چرا که نازش خویشتن را با عصیان و تمرد، بلند و آشکار می گرداند و خود را انگار می نمایاند.

برنامه اسلامی منتظر این نمی ماند تا عملاً نشوز رخ دهد، و زن ناشزه پرچم سرکشی را برافرازد، و هیبت سرپرستی فرو افتد، و بنیاد خانواده به دو اردوگاه تبدیل شود. زیرا هنگامی که کار بدینجا انجامد کمتر چاره سازی مفید واقع می گردد. این است که باید پیش از بالا گرفتن نشوز به درمان پرداخت. چون نشوز در این دستگاه بزرگ، به فساد و تباهی می انجامد، و با بودن آن، آرامش و آسایش از کانون خانواده کوچ می کند، و در این مهد کودک سترگ، با وجود نشوز، تربیت فرزندان و پرورش نوباوگان، ناجور و ناشایست

می‌گردد. گذشته از اینها، سرانجام نشوز، فروپاشی و ویرانی و نابودی سراسر این بنیاد است، و مایهٔ پراکندگی پرورندگان آنجا، و یا دست کم باعث پرورش ایشان در میان عوامل و اسبابی خواهد بود که بیماریهای روانی و عصبی و بدنی به بار می‌آورند، و ایشان را به انحراف و کژ راه می‌کشند.

لذا کار، بزرگ است و باید همین که از دور نشانه‌های نشوز خودنمائی کند، به فکر چاره افتاد و مقررات را به تدریج به مرحلهٔ اجراء گذاشت. در این راه برای حفظ بنیاد از فساد و نابودی، به نخستین مسؤول کانون خانواده اجازه داده شده است که در حالات مختلف و اوضاع گوناگونی، در مراحل ابتدائی نشوز، برای اصلاح حال و بستن شکاف، نه به منظور انتقام و اهانت و شکنجه، تنبیه‌های اصلاحگرانه‌ای را به اجراء درآورد.

#### ۲/۹. تفسیر تسنیم اثر عبدالله جوادی آملی از مفسرین شیعه (سال 1378 ه ش)

در جلد 18 از صفحه 547 به بعد به تفسیر آیه 34 سوره نساء به زبان فارسی پرداخته است. در این تفسیر، سربرداشتن همسر از تمکین نسبت به وظایف متقابل همسری را نشوز گویند و زن را در صورت عدم تمکین در آمیزش، ناشزه گویند. مراد از خوف نشوز، آشکار شدن نشانه‌های نشوز (سرپیچی و نافرمانی کردن از طاعت) است. ناسازگاری زن و شوهر به یکی از ۲ صورت زیر رخ می‌نماید:

##### ۲/۹/۱. نشوز شوهر

اگر شوهر هنر مدیریت یا توان تدارک هزینه‌ها را نداشته باشد یا وظیفه‌اش را انجام ندهد و مایه ناسازگاری با زن در خانه شود، مرد "ناشز" است. در کتاب فقهی "الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة" (1162 ه ق) که از جمله کتاب‌های فقه استدلالی و به زبان عربی بوده و نویسنده آن یوسف بن احمد بن ابراهیم آل عصفور بحرانی از فقهای شیعه می‌باشد در باره نفقه ناشزه چنین آمده است:

- نفقه که از حقوق واجب است و برای کسی که ناشزه می‌باشد، استحقاق دریافت ندارد.

- زن مسافر که سفری بی‌اذن شوهر رفته و آن سفر غیر ضرور بوده باشد، نشوز محسوب گشته و نفقه به او تعلق نمی‌گیرد مگر اینکه سفر او واجب باشد مانند حج واجب و یا نذر معینی کرده باشد، ظاهر بر این است که نفقه وی ساقط نمی‌شود اما پس از بازگشت بایستی قصورات مرتکب شده را جبران نماید.

##### ۲/۹/۲. نشوز زن

در کتاب مصباح المنیر آمده است که نشوز زن از مرد یعنی سرپیچی زن بدلیل کوتاهی از وظایف و کتک زدن شوهر بوده و به همین دلیل زن از شوهر نفرت داشته و از خواسته‌های او امتناع می‌کند.

و نشوز مرد از زن یعنی سرپیچی کردن از زن به دو صورت یکی ترک کردن زن و دیگری به معنای ظلم کردن به زن می‌باشد. (همان منبع، ص: 615) همچنین در بحث نشوز کردن مرد در قبال همسرش، گفته شده که این نشوز می‌تواند ظلم مرد نسبت به زن در پرداخت نکردن حقوق واجب زن از جمله نفقه یا لباس و اقسام آن بوده و یا اقدام به کتک زدن و اذیت و آزار رساندن به زن باشد بدون دلیل که در چنین شرایطی زن، این موضوع را به حاکم ارجاع داده و اگر این نشوز اثبات گشت، مرد تنبیه گشته و پرداخت نفقه زن از مال مرد جاری گشته حتی اگر مجبور به فروش اموالش گردد. (همان منبع، ص 619)

#### ۲/۱۰. کتاب فقهی "جامع المدارک فی شرح مختصر النافع" (1369 ه ق) اثر سید احمد خوانساری

در جلد 4 از صفحه 430 به بعد به مساله نشوز پرداخته و در مقوله برخورد با زن ناشز اینچنین بیان داشته است: بر مرد و زن واجب است که حقوق یکدیگر را رعایت کنند و اگر یکی نسبت به حقوق دیگری، نشوز کرد، گفته شده که اگر زن نشوز کرد، مرد نیز می‌تواند حقوق زن را رعایت نکند ولی اگر مرد نشوز کرد، زن نمی‌تواند حقوق شوهرش را رعایت نکند. در خصوص نشوز مرد در قبال همسرش، زن حق دارد که مردش را موعظه کند و اگر مرد اصلاح نشد، زن می‌تواند به حاکم رجوع کند ولی برای زن این حق نیست که هجر کند از مردش یا مردش را بزند! حاکم در اینجا، مرد را از حرام باز می‌دارد و بر او تکلیف می‌کند که واجباتش را در قبال زنش از جمله دادن نفقه، انجام دهد. (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج 31، ص: 207)

#### ۲/۱۱. نشوز زن در کلام امام خمینی ره

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در خصوص نشوز زن اینچنین موضوع را تبیین می کنند که:

**مسئله -** اگر از زن علامات نشوز و طغیان به سبب تغییر عادتش با شوهر در قول یا فعل، آشکار شود، به این که با خشونت او را جواب دهد و حال آن که قبلاً با نرمی با او سخن می گفت یا عبوسی و ترشروی را در صورتش آشکار کند و خود را به سنگینی و غضبناکی بزند و حال آن که قبلاً خلاف این بوده است و غیر این ها، زوج او را موعظه می کند پس اگر گوش نکرد، نشوز با خروج او از اطاعت مرد - در جایی که به تمتع بردن او برمی گردد - تحقق پیدا می کند؛ پس در این صورت برای زوج جایز است که او را در محل خواب مهجور کند، به این که پشتش را در رختخواب به طرف او کند یا از رختخواب او کناره گیری کند، پس اگر او را مهجور کند و زن بر نگردد و بر کارهایش اصرار داشته باشد زدنش جایز است و باید به اندازه ای که با آن امید برگشتن او باشد، اکتفا شود پس زیادتز از آن در صورتی که غرض به سبب آن حاصل می شود جایز نیست، و گرنه به تدریج به الاقوی فالاقوی می رسد تا حدی که خون نیورد و شدید نباشد که در سیاه شدن یا سرخ شدن بدن او تأثیر بکند. و لازم است که به قصد اصلاح او باشد، نه به قصد تشفی و انتقام. و اگر با زدن، جنایتی رخ دهد غرامت آن واجب است. (از تحریرالوسیله امام - جلد دوم - صفحه 324)

### ۳. معانی اصطلاحی نشوز از نظر فقها

با بررسی نظرات فقها، معانی اصطلاحی نشوز را می توان به 4 دسته تقسیم نمود:

قول اول، نشوز را مربوط به نافرمانی هر یک از زوجین از وظایفی می داند که بر عهده دارند. (نجفی، 1981، ص 200)

قول دوم، نشوز را فقط مخصوص زن می داند. (قمی، 1357، ص 494 / قلعه جی، 1418، ص 778)

قول سوم، نشوز را خروج هر دو با هم از واجباتی می داند که بر عهده آنهاست، اما اکثر فقها (جبعی عاملی، 1423، ص 573) این قسم را «شقاق» نامند.

قول چهارم، نشوز را مخصوص مرد می داند؛ نظیر شیخ طوسی که معتقد است: نشوز بدین معناست که مرد از زن کراهت دارد و زن ماندن با او را طالب است و از جدایی اکراه دارد و مرد طالب جدایی است. (طوسی، 1412، ص 472)

اما بر اساس آیات 34، 35 و 128 سوره نساء و نظر اکثر فقها، قول مشهور همان نظریه اول است؛ یعنی کراهت هر یک از زوجین از دیگری. (قرطبی، 1416، ص 112)

### ۴. تعاریف نشوز در نظر مفسران

بر اساس نظرات مفسرین و فقها ۱۲ تعریف و توضیح در خصوص نشوز به شرح زیر بدست آمده که عبارتند از:

۱. خیانت زن در قبال شوهر، نشوز زن می باشد

۲. کراهت زن از شوهر را نشوز گویند.

۳. بی اذن شوهر و بدون عذرشرعی از خانه خارج شدن از مصادیق نشوز زن می باشد.

۴. نافرمانی زن از شوهر در تمامی امور (مفسر المنار چنین برداشتی از نشوز را بیان داشته است)

۵. نافرمانی زن از شوهر در همبستری و رفع نیازهای جنسی مرد (دوری از شوهر در بستر)

۶. آرایش نکردن زن بدنبال توقع شوهر را از مصادیق نشوز گرفته اند. (در تفسیر روح المعانی و المنار بدان اشاره شده است)

۷. ترک تکالیف دینی همچون غسل و نماز از جانب زن از مصادیق نشوز زن می باشد. (تفسیر المنار، ج 5، ص: 76 / تفسیر روح المعانی)

۸. عصبانی کردن مرد از جانب زن به هر دلیل از دیگر مصادیق نشوز زن می باشد (در تفسیر روح المعانی بدان اشاره شده است)

۹. ترک کردن زن و یا ظلم به زن از جانب مرد، بعنوان نشوز مرد لحاظ شده است (در تفسیر کاشف بدان اشاره گشته است)

۱۰. ظلم مرد نسبت به زن در پرداخت نکردن حقوق واجب زن از جمله نفقه یا لباس و اقسام آن بوده و یا اقدام به کتک زدن و اذیت و آزار رساندن به زن از مصادیق نشوز مرد می باشد. (بحرانی، الحدائق الناضرة، ص ۶۱۹)

۱۱. خروج بدون اذن شوهر و عدم تمکین جنسی از شوهر تنها مصادیق نشوز می باشد. (در تفسیر کاشف مورد اشاره واقع گردیده است)

۱۲. نشوز یک معصیت و فعل حرام و گناه بوده و یک اقدام مجرمانه از جانب زن در قبال همسرش محسوب می‌گردد. (در تفاسیر من وحی القرآن و تسنیم مورد اشاره قرار گرفته است)

### ۵. موارد نشوز زن

در خصوص موارد نشوز زن، نظرات فقها را می‌توان به 5 دسته کلی تقسیم نمود:

#### ۵/۱. عدم تمکین خاص

بنا به قول مشهور فقها، عدم تمکین خاص که همان پاسخ ندادن به نیازهای جنسی مرد از جانب زوجه می‌باشد، نشوز خوانده می‌شود.

این عبارت که برخی اظهار می‌دارند تمکین به مفهوم خاص به مرد حق می‌دهد تا بدون اعتنا نسبت به آمادگی جسمانی و روانی همسر خود با او هم‌بستر شود مردود است؛ زیرا اولاً اصل چهل قانون اساسی آن را رد می‌کند. ثانیاً با آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»<sup>۲</sup> منافات دارد. ثالثاً اگر زن با دلیل موجه یا بدون دلیل تمکین نکند؛ شوهر حق ندارد با اجبار دست به این عمل بزند؛ بلکه تخلف از این وظیفه ضمانت اجرای خاصی دارد که باید بدان عمل کرد.

آیت‌الله موسوی بجنوردی معتقدند: «چون همان‌طور که مرد ممکن است همیشه آمادگی ایجاد رابطه زناشویی را نداشته باشد؛ زن نیز به دلیل مشغولیات فکری، بیماری و... ممکن است آمادگی نداشته باشد. این خلاف انسانیت و از مصادیق ایذاء محسوب می‌شود. بنابراین اگر مراجع قضایی نسبت به تمایلات انحرافی جنسی شوهر نسبت به زن بی‌اعتنا هستند؛ دلیل موجه بر صحت کار آن‌ها نیست؛ زیرا در شرع و قانون چنین رفتاری، به دلیل ذکر شده، رد شده است. پس اگر اشکالی هم مشاهده می‌شود؛ اشکال در نحوه اجرای قوانین است و نه در خود قانون و شرع.»

#### ۵/۲. عدم تمکین عام

گروه دوم اطاعت از شوهر را به صورت عام واجب دانسته‌اند. در این مورد، برخی از حقوقدانان نیز همین عقیده را دارند. (محقق داماد، 1372، ص 297) در حقیقت، عدم تمکین عام را نشوز نامیده‌اند. ابن عباس (م ۶۸ ق) نشوز زن را عبارت از کم گذاشتن از حق شوهر و نافرمانی از او دانسته است. مصداقی همچون ترک تکالیف دینی همچون غسل و نماز از جانب زن و نیز خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج، از موارد نشوز به حساب آمده و دلیل آن استناد به روایتی از محمد بن مسلم از ابی جعفر ذکر گردیده است.

«محمد بن یعقوب، من عده من اصحابنا، من احمد بن محمد بن محمد بن عتیبه عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر (علیه السلام)، قال: جاءت امرأة الى النبي (صلى الله عليه وآله)، فقالت: يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال لها ان تطيعه و لا تعصيه و لا تصدق من بيته الا باذنه و لا تصوم تطوعاً الا باذنه و لا تمنعه نفسها و ان كانت على ظهر القتب و لا تخرج من بيتها الا باذنه و ان خرجت بغير اذنه...» (حر عاملی، 1414، ص 112) زنی نزد حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) آمد و گفت: یا رسول الله! حق زوج بر همسرش چیست؟ آن حضرت فرمودند: اینکه او اطاعت کند و از آن نافرمانی نکند، از خانه اش بدون اذن او صدقه ندهد و بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد، خودش را از او باز ندارد حتی اگر بر پشت شتر باشد، و بدون اذن او از خانه خارج نشود...

نظر مشهور امامیه نیز بر این است که کسب رضایت زن از شوهر برای خروج از منزل لازم است و این را از جمله تکالیف زن در برابر شوهر و از حقوق شوهر دانسته‌اند. (نجفی، 1981، ص 306)

در بین فقها، مرحوم خوئی نظر دیگری دارند: «زن بدون اذن شوهر در مواردی که خروجش منافی حق استمتاع شوهر است، جایز نیست که از منزل بدون اذن او خارج شود.» (موسوی خوئی، 1410، ص 289) فقهای دیگری نظیر علامه شیخ فضل الله (در کتاب دنیا المرأه) نیز این نظر را تأیید می‌کنند.

«هیچ دلیلی بر حرام بودن سفر زن به صورت مطلق وجود ندارد، بلکه حتی اگر شوهرش نهی هم کرده باشد باز هم سفرش حرمتی ندارد تا چه رسد به اینکه اذن نداده باشد، مگر اینکه سفرش موجب نشوز شده و از این رو با حقوق شوهرش منافات پیدا کند، تنها در این صورت است که سفر زن حرام می‌شود چون فقط برای حرمت همین گونه از سفر دلیل داریم، روایاتی هم که بر حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دلالت می‌کند بر همین مورد (منافات با حقوق شوهر) حمل می‌شود چون قرائن نشان می‌دهد مراد آن روایات از خروج هم فقط خروج بی‌بازگشت یا خروج اعراض گونه‌ای است که مصداق نشوز باشد؛ به هر حال برای حرمت خروج بی‌اذن زن از خانه - به طوری که قدم گذاشتن به بیرون از خانه حتی برای بیرون

بردن زباله یا خروج از خانه در زمان مسافرت شوهر یا زندان شدن او یا ... هم حرام باشد- هیچ دلیلی وجود ندارد» (خوئی: ج 20، ص 100). البته در مسئله خروج زن از خانه استثنایی نیز وجود دارد که اکثر فقها آن را پذیرفته‌اند: خروج برای تعلیم معارف اسلام و علم که در این مورد، زنان از آزادی واجب و مشروع برخوردارند. در اکثر کتب فقهی مستدل، به این مسئله تصریح شده است: «و یحرم علی الزوج منع الزوجه من الخروج للتعلم، ان لم یکن عالماً و الا علمها وجوباً» (نوری، 1347، ص 289)

#### ۵/۳. کراهت پیدا کردن زن از شوهر

گروه سوم، نشوز را کراهت پیدا کردن زن از شوهرش اعلام داشته اند. این گروه دلیل این رفتار زن و کراهت پیدا کردن وی از شوهر را، در رفتارهای نامناسب و احیاناً ظالمانه مرد نسبت به زن بیان داشته و به نوعی آنرا عکس العمل متقابل زن در قبال رفتار نامناسب مرد می‌دانند. السدی (م ۱۲۸ق) نشوز را بغض داشتن از شوهر شمرده است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۵/۴۰) زن ناشزه را زنی تعریف کرده است که دوری از شوهر را دوست دارد. و همچنین فقهایی، علت کراهت زن از مرد را در این دانسته که احتمالاً زن به مردی دیگر علاقه‌مند شده و دل داده‌ی مرد دیگری شده است. (تفسیر تسنیم، جلد 18، ص 550/ تفسیر التحریر و التنویر، جلد 4، ص 113)

#### ۵/۴. مسلط شدن زن بر مرد

گروه چهارم، نشوز را اقدامی جهت مسلط شدن زن بر مرد و تامین شدن خواسته‌های زنانه، قلمداد کرده‌اند. در میان مفسرین، در تفسیر المنار، نشوز زن را یک ابزار زنانه برای رسیدن به تمایلات و خواسته های آن زن از مرد، نیز معنا شده و زن نشوز می کند برای رسیدن به تمایلاتش همچون طلا و جواهر و غیره و گاه خانواده زن او را تحریک به نشوز کردن نسبت به شوهرش می کنند. (تفسیر المنار، ج 5، ص: 71). عطاء (م ۱۱۴ ق) نشوز را به معنای نافرمانی و طلب تسلط بر شوهر دانسته است.

#### ۵/۵. فاحشه مبینة

گروه پنجم، نشوز را انجام فاحشه مبینة از طرف زوجه می دانند و به روایت پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حجة الوداع استناد کرده اند (ابن عربی، آبی تا، ص 332) که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد. خوش سخن گفته است که نشوز در این آیه به معنی خیانت زن است و عبارت «تخافون نشوز هن» به معنی ترس از خیانت زن با علم و یقین و با دلایل قطعی است. در این وضعیت، اسلام برای حفظ کانون خانواده و جلوگیری از اقدام مرد برای طلاق، راه کارهای نصیحت، دوری و زدن را به او پیشنهاد کرده است (خوش سخن، ۱۳۸۹ ش: ۵۱ تا 61) برخی روایات، که از جانب گروه پنجم مورد استناد قرار گرفته و نشوز و نافرمانی زن را مورد اشاره قرار داده و بر حکم تنبیه از طرف شوهر مهر تأیید نهاده اند؛ از جمله، روایاتی که در تحف العقول از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده که آن حضرت در خطبه حجة الوداع فرمودند:

«یا ایها الناس، ان لکم علی نساء کم حقاً؛ و لنساء کم حقاً لکم علیهن الا یؤطنن فرشکم احد تکروهه و علیهن الا یأتین بفاحشه مبینة، فان فعلن فان الله تعالی قد اذن لکم ان تهجروهن فی المضاجع و تضربوهن ضرباً غیر مبرح، فان انتهین فلهن رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (ابن عربی، آبی تا، ص 420)؛

ای مردم، همانا زنانتان را بر شما حقی و شما را بر ایشان حقی است. حق شما بر آنان این است که بیگانه را به بستر شما در نیاورند و کسی را که خوش ندارید جز به اجازه شما به خانه راه ندهند و هرزه گرایی نکنند و اگر چنان کردند، خداوند به شما اجازه داده است که بر آنها سخت گیرید و بستر آنها را ترک گوید و آنها را بدان اندازه که سخت و آزار دهنده نباشد، بزنیید و هرگاه بدان پایان دادند و از شما فرمان پذیرفتند، بر شماست که خوراک و پوشاک ایشان را به اندازه متعارف برسانید.» (آتابکی، 1376، ص 42)

#### ۶. بررسی روایات مربوط به فاحشه مبینة

البته روایات کتاب تحف العقول به دلیل عدم ذکر سند، مرسل و ضعیف محسوب می شوند و نمی توان آنها را به عنوان مدرکی معتبر تلقی کرد. لازم به ذکر است که در این روایت، تنبیه در صورت فاحشه مبینة مجاز شمرده شده است. از نظر لغوی، «فاحشه» به بدی که از حد بگذرد، زشتکاری (شوشتری، 1374، ص 317)، عمل قبیح یا گفتار قبیح گفته می شود و آن از زنا جدا شده است. (ابن منظور، 1405، ص 325) فاحشه مبینة نمی تواند هر نوع ناسازگاری و مخالفت جزئی را شامل شود. بعضی فاحشه مبینة را به «هرزگی» تعبیر نموده و آن را از زنا جدا کرده اند. در این میان برخی اندیشمندان همچون عبدالحمید ابوسلیمان معتقد است که روایات ضارب غیر مبرح که مفسران در ذیل این آیه آورده‌اند، مربوط به نشوز زن نیست بلکه مربوط به ارتکاب فحشاء و رفتارهایی از آن قبیل است. در روایات دو مورد برای ضارب غیر مبرح ذکر شده، فاحشه مبینة (فحشایی آشکار)؛ یوطئن فرشکم من تکروهه (کسی را به بستر راه دهد که نمیپسندید). بنابراین استفاده از این روایات در تفسیر این آیه خطا است. به عقیده

محقق این مقاله، نظر امثال عبدالحمید ابوسلیمان صحیح می باشد و در آیه 15 سوره نساء آمده است که اگر زنی مرتکب فحشا شود، اولاً بایستی 4 شاهد برای تأیید فحشای وی اقامه گردد و در نهایت در صورت شهادت 4 نفر، دستور الهی بر نگهداشتن زن خطاکار در خانه است هرچند در انتهای آیه آورده شده که شاید راهی دیگر بغیر نگهداری وی در خانه توسط خداوند، قرار داده شود؛ وَاللَّائِي يَأْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا. و از زنان شما کسانی که مرتکب ناشایستی [زنا] می شوند، باید بر آنان چهار شاهد از خود بگیرید، آنگاه اگر شهادت دادند، آنان را در خانه‌ها محبوس نگه دارید، تا مرگ فراگردشان، یا خداوند راهی برایشان مقرر کند. در آیه بعد، دستور اذیت کردن زنی که مرتکب زنا شده است، داده می شود و در صورتی که آن زن توبه کند، دستور بر پایان دادن به اذیت آنها داده شده است. در نتیجه، قول پنجم که نشوز را به معنای فحشای مبینه از ناحیه زن برداشت کرده‌اند، قابل تامل بوده و با توجه به توضیحات داده شده، از مصادیق نشوز محسوب نمی گردد.

## ۷. نشوز در قوانین

طبق ماده 1108 قانون مدنی «هرگاه زن بدون مانع مشروع از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» بنابراین، تنها تنبیهی که قانون برای زوجه در نظر گرفته است، قطع نفقه می باشد.

### ۷/۱. نشوز از دیدگاه اندیشمندان علم حقوق

از دیدگاه اندیشمندان علم حقوق، نشوز تخلف زوج یا زوجه است از تکالیف و حقوق زوجیت به زیان یکدیگر؛ مانند خودداری شوهر از دادن نفقه زوجه، که نشوز زوج است و عدم تمکین زوجه، که نشوز او محسوب می شود. (جعفری لنگرودی، آبی تا، ص 3643).

### ۷/۲. تنبیه زوجه از نظر قانون مدنی

در اینکه زن در حالت نشوز مستحق نفقه نیست، تردیدی میان فقها وجود ندارد و این امر از مسلمات فقه است. قانون مدنی برای تنبیه زن و ادار کردن او به انجام تکالیفی که در اثر ازدواج عهده دار است، در ماده 1108 مقرر داشته است: «هرگاه زن بدون مانع و عذر موجه حاضر نشود با شوهر خود در یک محل زندگی کند یا با او در تشدید مبنای خانواده همکاری نکند، یا به خواسته های مشروع او در مورد معاشرت با دیگران بی اعتنا بماند، حقی بر گرفتن نفقه ندارد»

در این ماده به صراحت از نشوز نام برده نشده است، ولی تعریف قانون کاملاً مطابق با نشوز می باشد. علمای حقوق تنها سقوط نفقه را هنگام نشوز به عنوان برخورد با زن مطرح کرده اند و از سایر تنبیهاتی که در فقه با استناد به آیه 34 سوره «نساء» از آن یاد شده ذکر به میان نیاورده اند.

همان گونه که از ماده مزبور فهمیده می شود، امتناع از ادای تکالیف زناشویی در صورتی موجب محرومیت زن از نفقه می گردد که امتناع او در اثر مانع مشروع نباشد، وگرنه چنانچه زن در اثر مانع مشروع از انجام تکالیف خود امتناع نماید نفقه او ساقط نمی شود.

## 8. نشوز از نگاه محقق مقاله

از منظر صاحب قلم و محقق این مقاله، ازدواج یک پیمان است؛ حقوق و تکالیفی را متوجه زن و مرد می نماید. آشنایی زن و مرد به تکالیفشان تا بخش زیادی عرفی و عقلی و بر اساس فطرت، قابل فهم و درک است اما نکته قابل تامل در بحث عدم انجام تکالیف و عدم رعایت حقوق هر یک از زوجین می باشد. خداوند متعال تکالیف متعددی را برای مخلوقات خود وضع کرده است. از نماز خواندن تا روزه گرفتن.

برخی در تعریف نشوز آورده‌اند که اگر زن در انجام وظایف الهی اش کوتاهی کند و مثلاً نماز نخواند، این نیز نشوز بوده و مستحق وعظ/هجر/ضرب می باشد، حال آنکه فریضه‌ای مانند نماز، یک ارتباط میان مخلوق با خالق است و اینگونه دامنه نشوز را وسیع گرفتن، در واقع دادن جایگاه الهی به مرد در خانه محسوب می گردد و این در حالی است که جایگاه مرد در خانه، بعنوان یک قائم بر امور زندگی بوده و حکم ولایت بر زن به طور مطلق ندارد. چه بسا عدم توازن در مساله جایگاه مرد وزن در زندگی مشترک، خود بر اینگونه اختلافات دامن بزند.

### 8/1. بررسی دیدگاه تنبیه اقتصادی به جای تنبیه فیزیکی

در میان مفسران، آقای جوادی آملی در کتاب حق و تکلیف، این نظر را بیان داشتند که «تنبیه در مرحله سوم بعد از نصیحت و هجر است که منحصر در تنبیه بدنی نبوده، بلکه تنبیه اخلاقی و اقتصادی را نیز شامل می شود.» این نگاه آقای جوادی آملی که البته ایشان جزء مفسرینی بوده که

واژه ضرب را به معنای کتک زدن دانسته و البته این نگاه را بیان داشته که اجرای کتک زدن مربوط به نظام های قبیله‌ای است، با آوردن تنبیه اقتصادی و اخلاقی بعنوان جایگزین تنبیه فیزیکی، دارای اهمیت است.

تنبیه را می توان در دو دسته کلی فیزیکی و روحی تقسیم نمود. تنبیهات روحی نیز نوعی آزار و اذیت محسوب می شوند اما قابلیت تاثیرگذاری داشته و در مقابل همچون تنبیه فیزیکی جنبه خوار و خفیف کردن ندارد. چه بسا باشند زانی که به محض مواجهه با دور شدن شوهر، سریعاً به خود آمده و حتی راضی به تنبیه فیزیکی باشند اما شوهر خود را از دست ندهند.

در نتیجه این دیدگاه جناب جوادی‌آملی بیان کننده این مطلب است که راه‌های مقابله با نشوز تنها همان راه‌های بیان شده در آیه 34 سوره نسا نمی‌باشد و به عبارتی ایشان نیز بدنبال دور کردن مخاطبین آیه از برداشت کتک زدن در قبال واژه ضرب در آیه 34 سوره نسا هستند.

## 8/2. آیا نشوز باعث سقوط حق طرف مقابل می‌گردد؟

بر مرد و زن واجب است که حقوق یکدیگر را رعایت کنند و اگر یکی نسبت به حقوق دیگری، نشوز کرد، گفته شده که اگر زن نشوز کرد، مرد نیز می‌تواند حقوق زن را رعایت نکند ولی اگر مرد نشوز کرد، زن نمی‌تواند حقوق شوهرش را رعایت نکند.

این توضیحات از کتاب فقهی "جامع المدارک فی شرح مختصر النافع" (1369هـ.ق) مستند به روایتی از امام صادق بیان شده که در ادامه آن، با روایتی دیگر مورد نقض قرار گرفته است.

در همین زمینه، موضوعی تحت عنوان حق حبس در کتب فقهی و حقوقی مورد بحث می‌باشد که تنها زمانی که زن می‌تواند از تمکین مرد خودداری کند زمانیست که مرد از پرداخت مهریه خودداری کند. این حق که نوعی «حق حبس» معروف به «حق امتناع زوجه» است بنا به نظر مشهور تا قبل از زفاف یا اولین آمیزش جنسی است. البته شیخ مفید و شیخ طوسی معتقد بوده‌اند که پس از زفاف نیز زن این حق را دارد ولی نظر مشهور سقوط حق حبس بعد از یک بار تمکین است.

ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی در این مورد گفته است: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.»

و در خصوص نشوز مرد در قبال همسرش، گفته شده که زن می‌بایست به دادگاه رجوع کند و اجازه هجر در بستر و یا زدن شوهرش را ندارد و برخی مفسرین در بیان اینکه چرا زن نمی‌تواند شوهرش را بزند آورده‌اند که این از عهده زن بدلیل توان جسمی خارج است.

با توجه به این توضیحات، نکته‌ی قابل تاملی در میان است و اینکه مگر از دیدگاه کسانی که معتقد هستند که ضرب در آیه 34 سوره نساء به معنای زدن غیردرآوردن می‌باشد و حتی مقید به زدن با چوب مسواک گشته، آیا چنین زنی از عهده یک زن در قبال شوهرش که نشوز کرده، خارج است؟

بعبارتی، به نظر می‌رسد که کسانی که معتقد به کتک زدن زن ناشره می‌باشند، در قبال نشوز مرد قائل به رجوع به محکمه هستند و این یک رفتار متناقض است. مطمئناً هر دو طرف یک زندگی زناشویی می‌بایست به حقوق و تکالیفشان پایبند باشند و روابطشان را بر اساس اخلاقیات و انسانیت با یکدیگر تنظیم و زمینه آرامش برای یکدیگر باشند اما در قبال ظلم یکی به دیگری، نمی‌توان از مظلوم چه زن و چه مرد خواست که شما به تکالیف عمل کن ولو طرف مقابل تو ظالم باشد!

آیا اگر ترتیب مطرح شده در آیه 34 سوره نساء را متناسب به ترتیب امر به معروف و نهی از منکر بدانیم، آیا آن ترتیب برای زن و مرد تفاوت قائل شده است؟

اگر در امر به معروف و نهی از منکر، تفاوتی برای زن و مرد نباشد، آیا از این جهت در نشوز زن و مرد تفاوت می‌باشد! مطمئناً زنی که از حقوقش محروم می‌گردد، به همان اندازه صاحب حق است که اگر مردی از حقوقش محروم گردد و در این میان با توجه به دیدن جایگاه مدیریت خانواده برای مرد، وظایف یک مرد بیشتر و مدیریت وی حساس تر می‌باشد.

## 9. تمکین در لغت و اصطلاح

تمکین لغتی است عربی و مصدر متعددی به معنای: پذیرفتن، دست دادن، قدرت و نیرو دادن. راغب در مفردات می‌نویسد: «تمکین به معنای متمکن و صاحب قدر و منزلت است.» (راغب اصفهانی، 1423، ص 773)

تمکین در اصطلاح، به دو صورت عام و خاص آمده است. تمکین عام به معنای ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است. در تمکین عام، معیار تمیز اموری که شوهر می تواند از زن انتظار داشته باشد با عرف است. (امامی، 1342، ص 447) تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن و شوهر و پاسخ دادن به خواسته های مشروع اوست. (همان / کاتوزیان، 1378، ص 228)

صاحب شرایع در تعریف تمکین آورده است: «هو التخلیة بینها و بینة بحیث لا تخص موضعاً و لا وقتاً»؛ خلوت کردن بین زن و مرد در هر مکان و زمانی. (محقق حلی، 1409، ص 568) با توجه به معنای لغوی، تمکین گرچه به ظاهر اطاعت شوهر است، لیکن در واقع به معنای بزرگی و برتری می باشد و اولین نشانه ارزشمندی و برتری زن شایسته. تمکین و اطاعت در مقابل شوهر، فقط در راستای حکم خدا بر زن لازم است، نه الزام و پذیرش هر حکم غیر منطقی و غیرمعقول و هر خواسته ای که برخاسته از تمایلات یا بر پایه زور و یا سنتی مخالف حکم الهی باشد. (میرخانی، 1379، ص 29)

### 9/1. حصول تمکین

از نظر فقها متوقف بر یکی از دو قسم ذیل است :

#### 9/1/1. حصول تمکین متوقف است بر لفظی از جانب زن

که دلالت بر تمکین کند. بر اساس این قول، چنانچه زن ساکت بماند حتی اگر در عمل از شوهرش تمکین کند، تمکین شمرده نمی شود. این قول خالی از اشکال نیست. زیرا دلایلی بر آن در کتاب و سنت وجود ندارد و بنا بر اصله العدم پذیرفته نمی شود. (جبعی عاملی، 1413، ص 440 / بحرانی، آبی تا، ص 99)

#### 9/1/2. حصول تمکین متوقف است بر فعل، نه لفظ

زیرا تمکین از مقوله افعال می باشد، نه اقوال. (طباطبائی، 1410، ص 530 / شیخ مفید، 1415، ص 208) لازم به ذکر است که عدم تمکین با نشوز متفاوت است. هر جا که تمکین صورت نگیرد به معنای نشوز نیست؛ زیرا عدم تمکین اعم از نشوز است؛ مثل مواردی که عدم تمکین مشروع باشد.

«نشوز» در زوجه، خروج او از اطاعت شوهر است در اطاعتی که بر زن واجب می باشد، به این که خود را به تمکین او در نیاورد و چیزهایی را که تنفرآور است و با تمتع و لذت بردن از او سازگاری ندارد از خود برطرف نکند، بلکه ترک نظافت و آرایش خود با این که شوهر آن ها را می خواهد از این قبیل است. و همچنین است خروج او از خانه او بدون اذن شوهر و غیر این ها. و در جایی که اطاعت از او واجب نیست ترک آن موجب تحقق نشوز نمی باشد؛ پس اگر زن از خدمات خانه و حوائج مرد که با تمتع بردن او ارتباط ندارد از قبیل جارو کردن یا خیاطی یا غذا پختن یا غیر این ها، حتی آب دادن و پهن کردن رختخواب، خودداری نماید نشوز تحقق پیدا نمی کند.

### 10. معنای لغوی و اصطلاحی ضرب

#### 10/1. معنای لغوی «ضرب»

در لغت عربی، «ضرب» معانی متعددی دارد، از جمله: کوبیدن، زدن (مثل ضرب با دست یا چوب)، ضرب المثل زدن (به معنای مثال آوردن)، سفر کردن (مثل «ضرب فی الأرض» = در زمین سفر کرد)، جدا کردن یا کنار گذاشتن (مثل «ضرب بینهن» = میان آنان جدایی انداخت).

نتیجه: معنای اولیه «ضرب» در لغت، «زدن» است، اما بسته به قرینه می تواند معانی دیگری داشته باشد.

#### 10/2. معنای اصطلاحی «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء

در این آیه، عبارت «وَأَضْرَبُوهُنَّ» پس از دو مرحله قبلی (پند و هجر در بستر) ذکر شده است. درباره معنای آن دیدگاه های دیگری نیز وجود دارد :

#### 10/2/1. دیدگاه سنتی (ضرب فیزیکی سبک)

برخی فقهای قدیم (مانند شافعی، ابن حنبل) معتقدند منظور زدن غیرمضر است، مانند استفاده از مسواک یا دستمال پیچیده، به شرط عدم آسیب جسمی یا روحی، عدم ضرب به صورت، به عنوان آخرین راه حل.

در برخی روایات (مثلاً از امام صادق علیه السلام) آمده: «ضربٌ غیر مبرح» (زدنی که شدید نباشد).

### 10/2/2. دیدگاه تفسیری (ضرب به معنای کناره گیری یا تنبیه غیر فیزیکی)

برخی مفسران (مانند علامه طباطبایی، محمد عبده) معتقدند «ضرب» در اینجا می تواند به معنای «جدایی موقت» یا «تنبیه عاطفی» باشد، نه ضرب فیزیکی.

و در آیات دیگر قرآن، «ضرب» به معنای «ترک کردن» هم به کار رفته (مثل «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا»).

همچنین با توجه به اخلاق پیامبر (ص) که هرگز همسرانش را زده، این تفسیر محتمل تر است.

### 10/2/3. دیدگاه فقهی معاصر (منع مطلق ضرب)

بسیاری از فقهای امروزی (مانند آیت الله صانعی، آیت الله مکارم شیرازی) معتقدند این آیه در شرایط خاص عصر نزول بوده و امروزه با توجه به کرامت انسانی و اخلاق اسلامی، ضرب حتی سبک نیز غیر قابل قبول است. پیامبر (ص) فرمود: «خیرکم خیرکم لأهله» (بهترین شما، کسی است که با خانواده اش نیکوکارتر باشد). همچنین در روایات متعدد، از آزار زنان نهی شده است.

معانی کلمه ضرب در قرآن کریم



### 11. کاربرد قرآنی ریشه «نَشَرَ»

از تعاریف و مصادیق مورد اشاره در دیدگاه مفسرین و فقها به نشوز مورد اشاره در آیه 34 سوره نساء و با تحلیل و بررسی آیاتی که در آنها این واژه به کار رفته است، می توان نتیجه گرفت که ریشه «نَشَرَ» در قرآن به معنای جمع شدن به کار رفته است، نه ارتفاع و بلندی، و اما تفصیل این ادعا: (حامد مصطفوی فرد، مقاله بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن چاپ در نشریه فقه اهل بیت بهار 1391 - شماره 69)

#### 11/1. آیه 11 سوره مجادله:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.»

"ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به شما گفته می شود در مجالس جا باز کنید (تا دیگران نیز بنشینند)، پس جا باز کنید تا خداوند نیز برای شما گشایشی فراهم کند؛ و هنگامی که گفته می شود برخیزید (برای کار نیک یا جهاد)، برخیزید. خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی که دانش داده شده اند، درجات (بلندی) می بخشد؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است."

آیه ۱۱ سوره مجادله (سوره ۵۸ قرآن کریم) درباره فضیلت ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا و همچنین اهمیت علم و ادب در مجالس است. این آیه به مؤمنانی که در راه خدا تلاش می‌کنند وعده رفعت و پاداش می‌دهد.

به نظر می‌رسد که بین دو واژه «نشوز» و «افساح» تقابل است. اما افساح چیست؟ دیدگاه لغویان از این قرار است:

1. الفساحَةُ: السعةُ فی الارض ... و الرجل یفسح لأخیه فی المجلس: یوسّع علیه(فراهیدی، العین، ج 3، ص 148).

2. تفسحوا فی المجالس أی توسّعوا فیها (طریحی، مجمع البحرین، ج 2، ص 398)

3. الفسح و الفسیح: الواسع من المكان و التفسیح: التوسّع(راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، 635)

4. التفسیح: الاتساع فی المكان و التفسیح و التوسّع واحد) طبرسی، مجمع البیان، ج 9، ص 378)

5. هو ایجاد و انفراج فی المحل و هذا غیر الوسع(مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 9، ص 83)

چنان که ملاحظه می‌شود، «افساح» به معنای فاصله بین کسانی است که نشسته اند و معادل فارسی آن «جا باز کردن» و یا «جا فراخ کردن» است، چنان که در زبان عربی «افسح عینی» به معنای «از من دور شو» و یا «از من کناره بگیر» می‌باشد(طبرسی، جوامع الجامع، ج 4، ص 260؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج 5، ص 148؛ بیضاوی، انوار التنزیل، ج 5، ص 195).

این مفهوم کنایه از این است که مجلس را وسعت بخشید تا دیگران هم بتوانند از وجود پیامبر(ص) بهره مند شوند (قرآن با بیانی لطیف این حکم را بیان کرده است).

نقطه مقابل واژه «افساح» در این آیه، واژه «نشوز» است؛ بنابراین به معنای جمع شدن خواهد بود. بنابراین، ترجمه تفسیری آیه این گونه است:

«ای اهل ایمان، هرگاه به شما گفته می‌شود که جا فراخ کنید، این کار را کنید و هرگاه به شما گفته شود جمع شوید (تا پیامبر (ص) برای شما سخن گوید) جمع شوید.» جا فراخ کردن به نوعی گشایش ایجاد کردن برای حضور دیگران است و در ادامه این دستور، خداوند می‌فرماید که «يَفْسَحُ اللَّهُ لَكُمْ»

بنابراین، آیه در پی بیان این مطلب است که ای مسلمانان هرگاه سخنان پیامبر پایان می‌یابد و به شما گفته می‌شود برخیزید و بروید، مجلس را ترک کنید و یا اگر اینطور معنا گردد که به موقع سخنرانی پیامبر، در جلسه طوری عمل کنید تا برای دیگران نیز توفیق حضور و نشستن باز گردد و هرگاه هم که ایشان قصد بیان مطلب تازه ای را دارند و به جمع شدن شما دستور می‌دهند، اطاعت کنید و جمع شوید. این نکته نیز تأمل برانگیز است که اگر «نشز» را به معنای بلند شدن بدانیم، معنا تمام نیست و ناگزیر باید واژه ای را در تقدیر گرفت؛ همانند: برخیزید و مجلس را ترک کنید، برخیزید و اکرام کنید، برخیزید و برای دیگران جای باز کنید، برخیزید و به نماز، جهاد و ... بروید. این در حالی است که نشوز به معنای جمع شدن است برای حضور در مجلس رسول خدا و خداوند در ادامه می‌فرماید که بالا می‌برد مقام کسانی که ایمان آورده اند يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ و همچنین کسانی که علوم را دریافت کرده اند، که با توجه به سایر آیات کتاب الهی، «أوتوا العلم» کسانی هستند که از دانش بهره ای یافته اند و می‌توان اینطور از آیه برداشت کرد که در صورت حضور در مجلس پیامبر، زمینه کسب علم و افزایش علم دانشمندان ایجاد می‌گردد که گفته شده: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»

## ۱۱/۲. آیه 259 سوره بقره:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این آیه شریفه خطاب خداوند به عزیر پیامبر(ع) است درباره زنده شدن مردگان. طبق گفته مفسران که «نشز» را به معنای ارتفاع و بلندی دانسته اند، مفهوم آیه «وانظر الی العظام کیف ننشزها ثم نكسوها لحماً» این گونه می‌شود: «به استخوان‌ها بنگر، چگونه آنها را برداشته (به هم پیوند می‌زنیم)، سپس بر آن گوشت می‌پوشانیم» و برای تبیین معنای این کلمه از دو عبارت «بلند کردن و برداشتن» و دیگری «پیوند دادن و ترکیب کردن» استفاده کرده‌اند. (گنابادی، تفسیر بیان السعاده، ج 1، ص 228؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ج 1، ص 471؛ مغنیه، تفسیر

الکاشف، ج 1، ص 408) لغویان نیز به ناچار بیان کرده اند: «انشاز عظام المیت: رفعها الی مواضعها و ترکیب بعضها علی بعض». (جوهری، الصحاح، ج 3، ص 899؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 5، ص 418)

حال آنکه باید پرسید فعل پیوند زدن و یا عبارت «ترکیب بعضها علی بعض» از کجای این عبارت برداشت شده است؟ چنانکه ملاحظه می شود، آنان ناچارند که بگویند واژه مجازاً در این معنا استعمال شده است و عبارتی را در تقدیر می گیرند. مفهوم «روی هم قرار گرفتن استخوانها برای شکل گیری اسکلت و استخوان بندی» علاوه بر اینکه مفهوم «به هم پیوستن» را در خود ندارد، در صورتی صحیح است که فرض کنیم استخوانها سالم بوده و با روی هم قرار گرفتن آنها استخوان بندی شکل می گیرد؛ حال آنکه احتمال دارد که بعد از گذشت صد سال آنها متلاشی شده باشند؛ چنان که برخی به این مطلب تصریح کرده اند (حسینی همدانی، انوار درخشان، ج 2، ص 324)

برخی نیز مراد از آن را «از زیر خاک در آوردن استخوانها» (ایازی، تفسیر القرآن المجید، ص 82) و یا «رشد و نمو آنها» (طباطبایی، المیزان، ج 2، ص 365؛ حسینی همدانی، انوار درخشان، ج 2، ص 324) می دانند. اما با مفهومی که ما ارائه کردیم، این محذور در کار نیست و واژه در مفهوم حقیقی خود به کار رفته است: «به استخوانها بنگر؛ چگونه آنها را (که متلاشی شده اند) جمع می کنیم و سپس بر آنها گوشت می پوشانیم». برخی نیز ناگزیر شده اند معنایی مشابه از «انشاز» همچون جمع کردن (کاوینپور، ترجمه قرآن، ص 44)، به هم پیوند دادن (قرائتی، تفسیر نور، ج 1، ص 419؛ آیتی، ترجمه قرآن، ص 43؛ الهی قمشه ای، ترجمه قرآن، ص 43)، ضمیمه کردن استخوانها به یکدیگر، (امین، مخزن العرفان، ج 2، ص 410) ترکیب آنها با هم (شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج 1، ص 260) و ... ارائه داده اند.

با توجه به این توضیحات، نگاهی به آیه سوم سوره قیامت که می فرماید آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهای او را گردهم نمی آوریم و از عبارت «أَلَّن نَّجْمَعِ عِظَامَهُ» استفاده شده است و در آیه 259 سوره بقره «وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا» استفاده شده که از این طریق می توان فهمید که معنای نشزها در آیه 259 سوره بقره نیز به معنای جمع کردن و به هم پیوست دادن استخوانها و گردهم آوردن می باشد.

### 11/3. آیه 128 سوره نساء:

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

در این آیه، نشوز در مقابل اعراض قرار گرفته است و از آنجا که اعراض، «بی میلی شوهر به همسر خود و در نتیجه، امتناع از جماع و همبستری» است، نشوز نقطه مقابل آن «رغبت بسیار شوهر به جماع و همبستری» است.

موضوع نشوز شوهر اولین بار در جواهرالکلام اثر محمدحسن نجفی بسط داده شده و به نظر می رسد که هیچ یک از فقهای امامیه نظری خلاف این نگفته باشند. در جواهرالکلام آمده:

اگر نشوز شوهر آشکار گشت بدین سان که حقوق واجب زن را از قبیل: قسم، نفقه و... ادا نکرد، زن حق مطالبه دارد و می تواند شوهر را موعظه کند. اگر شوهر اجابت نکرد، نزد حاکم از وی شکایت کند و حاکم وی را به ادای حقوق الزام می کند. زن نمی تواند با شوهر قهر کند یا او را کتک زند. بسیاری از فقیهان به این مطلب تصریح کرده و آن را امری مسلم دانسته اند. گرچه امید باشد با قهر یا کتک شوهر از نشوز دست بردارد. زیرا کتک زدن و قهر کردن به اذن شرعی منوط است و شارع اذن نداده است بلکه آیات سوره نساء و تحریم دلالت دارد که این دو لایق مردان است. این مطلب قابل قبول است گرچه با اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر منافات دارد. زیرا می توان گفت از اطلاق آن ادله در اینجا صرف نظر می شود

مراد از نشوز مرد، رغبت وی به همبستری و جمع شدن با دیگری است. با این تفسیر، این آیه کاملاً در تقابل با آیه 34 همین سوره است؛ زیرا در آنجا صحبت ترس از خیانت زن مطرح است و در اینجا بحث ترس از خیانت شوهر. مرحوم طبرسی نیز ذیل این آیه نشوز را به همین معنی یعنی «توجه به زنی دیگر» -البته به دلیل بالاتر دانستن خود از همسر- دانسته اند (طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ص 184) البته در خصوص مرد، نسخه مقابله با نشوز مرد متفاوت بوده است که پرداختن به آنرا بایستی در مجوز ازدواج موقت و تعدد زوجات دنبال کرد که از بحث مقاله خارج است.

### 11/4. آیه 34 سوره نساء:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ الْآتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.

«مردان، سرپرست زنان هستند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان (برای زنان) انفاق می‌کنند. پس زنانِ درستکار، فرمانبردارند و در غیاب (شوهران) حافظ حقوق الهی و حقوق شوهرند. و زانی که از نافرمانی‌شان بیم دارید، ابتدا آنان را پند دهید، سپس (در صورت عدم تأثیر) در بستر از آنان دوری کنید و (اگر باز هم مفید نیفتاد) آنان را (با شدت مناسب و بدون آسیب) تنبیه کنید. پس اگر اطاعت کردند، دیگر بر آنان ستم روا مدارید که خدا بلندمرتبه و بزرگ است.»

نکته پایانی این بخش اینکه اگر نشوز به معنای عدم تمکین است؛ دوری از هم‌بستری، که در آیه به‌عنوان راهکاری برای مقابله با نشوز مطرح شده، چگونه می‌تواند عقوبت او باشد؛ در حالی که وی از این عکس‌العمل مرد شادمان هم خواهد شد و این نیز نشان می‌دهد که ترجمه و برداشت درستی از نشوز ارائه نشده است.

## 12. مراحل سه‌گانه مواجهه با نشوز زن در فقه اسلامی

در آیه ۳۴ سوره نساء مراحل سه‌گانه ای جهت مواجهه با نشوز زن ذکر شده است. در فقه اسلامی نیز این مراحل مورد توجه ویژه قرار گرفته و همانطور که دیدیم در نظر مفسران اختلاف زیادی در تفسیر مرحله سوم وجود دارد.

### 12/1. مرحله اول موعظه، حدود و شرایط

اولین مرحله در مواجهه با نشوز زن، اقدام تربیتی از طریق گفتگوی منطقی و پند دادن است که باید با زبان نرم و بدون تحقیر (مبتنی بر آیه «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» - نساء: ۵) همراه باشد به نحوی که زن متوجه شود که همسرش از روی خیرخواهی تذکر می‌دهد. همچنین با استفاده از استدلال‌های دینی (تذکر به وظایف زناشویی در قرآن و سنت) تلاش می‌کند تا زن را متوجه تکالیف خود نماید. در دیدگاه‌های فقهی امامیه اینطور تاکید شده است که موعظه باید پیش از هر اقدام دیگری انجام شود (شرط ترتیبی) حال آنکه حنفیه براین باور است که در صورت آشکار بودن نشوز، نیازی به موعظه طولانی نیست.

### 12/۲. هجر در مضجع

در این مرحله منظور قطع موقت رابطه زناشویی به عنوان اخطاری عملی به زن ناشزه می‌باشد. که مدت زمان آن حداکثر ۴ ماه (طبق نظر مشهور به استناد حدیث نبوی) است. در این میان بین مفسران اختلاف نظرهایی وجود دارد از جمله شافعیه می‌گوید: هجران باید با قصد تأدیب باشد، نه انتقام. اما مالکیه جواز ترک گفتگو نیز همراه با هجران را می‌دهد.

### 12/۳. ضرب و اختلاف نظرهای فقهی (از دیدگاه سنتی تا تأویل‌های مدرن)

#### 12/۳/۱. دیدگاه سنتی

طبق نظر بیشتر فقهای قدیم (شافعی، مالکی، حنبلی، شیعه امامی)، «ضرب» به معنای زدن سبک و غیرآزاردهنده است و براین باور هستند که پس از دو مرحله قبلی (پند و هجر در بستر) و فقط در صورت عدم تأثیر با وسیله سبک (مثل مسواک یا دستمال پیچیده) نه به صورت، نه با شدت، و نه با قصد تحقیر این امر صورت گیرد. که اشاره می‌شود به احادیثی مانند «ضَرْبٌ غَيْرٌ مَبْرَحٍ» (پیامبر(ص) فرمود: «اگر باید بزنید، مانند زدن با دندان مسواک باشد») و سیره برخی صحابه (مانند عمر بن خطاب که پس از شکایت زنی، اجازه ضرب محدود داد) که امروزه بسیاری این روش را ناقض حقوق بشر و مغایر با اخلاق نبوی می‌دانند.

#### ۱۱/۳/۲. دیدگاه تأویلی (مفسران نوگرا)

گروهی از مفسران (مانند محمد عبده، علامه طباطبایی، آیت‌الله صانعی) معتقدند «ضرب» در اینجا معنای مجازی دارد اعم از جدایی موقت (مثل ترک خانه برای مدتی کوتاه)، تنبیه مالی (کاهش نفقه به صورت موقت) و تحت فشار اجتماعی گذاشتن (مثل مداخله خانواده‌ها) و استناد می‌کنند به آیاتی در قرآن، مانند: «ضَرْبُ اللَّهِ مَثَلًا» که «ضرب» گاه به معنای غیرفیزیکی است و به سیره پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) که هرگز همسرانش را نزده و در روایات متعدد از آزار زنان نهی شده است استناد می‌کنند.

از نقاط قوت چنین تفسیری همخوان بودن با مفاهیم مدرن حقوق بشر و تطابق با سیره عملی ائمه(علیهم السلام) است که از خشونت پرهیز داشتند.

#### ۱۱/۳/۳. دیدگاه فقه پویا (رویکرد معاصر)

در این دیدگاه فقهای معاصر (مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سیستانی) معتقدند این حکم مربوط به شرایط خاص عصر نزول است و امروزه باید از روش‌های جایگزین (مشاوره، داوری، و در صورت عدم موفقیت موارد قبلی از جایگزین طلاق) استفاده کرد.

توجه به تغییر شرایط اجتماعی (امروزه زنان استقلال مالی و آموزشی دارند) و قاعده فقهی «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ» (نه ضرر زدن و نه ضرر دیدن) خود می‌تواند کمک کند به تفسیر بهتر این مساله.

## 12. جمع بندی در خصوص معنا و مفهوم نشوز

با استفاده از مقاله ثاقب الحسین<sup>3</sup> تحت عنوان «The Bitter Lot of the Rebellious Wife: Hierarchy, Obedience, and Punishment in Q. 4:34» که در سال 2021 بدان پرداخته و ایشان نیز معنای صحیح برای کلمه نشوز را، روابط فرازنشویی و یا در عرف به معنای خیانت جنسی لحاظ کرده است به جمع بندی نهایی در این خصوص می‌پردازیم.

کتب فقهی و تفسیری تقریباً متفق‌القولند که «نشوز» در آیه ۳۴ سوره نساء را به معنای نافرمانی زنانه، و به‌ویژه امتناع زن از برقراری رابطه جنسی با شوهرش تفسیر کرده‌اند. این تفسیر با توجه به خوانش مفسران از بخش‌های ابتدایی آیه — که به‌زعم آن‌ها مرد را رئیس خانواده قرار می‌دهد و اطاعت زن از او را الزامی می‌کند — چندان عجیب نیست.

اما با توجه به آنچه در بررسی ریشه کلمه «نشز» بیان شد، به‌زعم محقق مقاله، برداشت صحیح از «نشوز» یعنی رابطه فرازنشویی از جانب زن یا مرد در حالی که متاهل هستند. در تقویت این برداشت می‌بایست اشاره شود که علاوه بر تقابل با واژه «حافظات» که پیشتر ذکر شد، این تفسیر با مضامین بخش اول سوره نساء نیز همخوانی دارد؛ چرا که آیات ۱۵-۱۸ و ۲۵ نیز به جرائم جنسی پرداخته‌اند. افزون بر این، آیه از «ترسیدن» (تخافون) از نشوز سخن می‌گوید، عبارتی که مفسران را بسیار به تکاپو انداخته است. اگر نشوز به معنای نافرمانی زن یا امتناع جنسی باشد، قطعاً امری آشکار است، نه چیزی که صرفاً نسبت به آن بدگمان باشیم. به همین دلیل، بسیاری از مفسران کوشیده‌اند «ترس» در اینجا را به معنای «دانستن» تفسیر کنند. هرچند این معنا در سنت لغوی قدیم تا حدی مورد تأیید است، اما معنای روشن فعل «خاف» نیست. از سوی دیگر، اگر آیه را راهنمایی برای برخورد با زنی بدانیم که به رابطه فرازنشویی با مردی دیگر مشکوک است، کاربرد واژه «تخافون» کاملاً مناسب به نظر می‌رسد.

چند دلیل قانع‌کننده دیگر نیز برای پذیرش این معنای رابطه فرازنشویی جهت کلمه نشوز وجود دارد.

مفسران تقریباً به‌صورت یکسان «نشوز» در آیه 128 سوره نساء را متفاوت از «نشوز» در آیه ۳۴ تعریف کرده‌اند و به‌ندرت این دو آیه را در کنار هم بررسی نموده‌اند. در حالی که «نشوز» زنان، به نافرمانی تفسیر شده، «نشوز» مردان معمولاً به بی‌میلی یا بدرفتاری با زن معنا شده است. هرچند ممکن است یک واژه در متن واحد معانی متفاوتی در جایگاه‌های مختلف داشته باشد، اما این واقعیت که «نشوز» فقط دو بار در قرآن — آن هم در سوره نساء — به کار رفته و تقارن آشکاری بین دو کاربرد آن وجود دارد (شوهر از «نشوز» زن می‌ترسد [آیه ۳۴] و زن از «نشوز» شوهر می‌ترسد [آیه 128])، تعاریف کاملاً متفاوت از این واژه را بسیار نامناسب می‌سازد.

از دلایل محکمی که می‌توان نشوز را بمعنای برقرار شدن رابطه مرد متاهل با زنی بغیر همسرش دانست، آیات بعد از 128 نساء می‌باشد که در آن آیات بحث برقراری تعادل میان دو زن توسط مرد مطرح شده است. و لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدُلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلُوقَةِ وَ إِنْ تَصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً که از معنای آیات بعدی متوجه می‌شویم که نشوز با اعراض مورد اشاره در آیه 128 نساء در خصوص مردان، وارد رابطه ای دیگر شدن توسط آنان می‌باشد که با توجه به جواز چندهمسری و ازدواج موقت برای مردان، جهت نشوز مردان حکم بر صلح و سازش برای همسر آنها داده شده است.

علاوه بر این، توجه کنید که در آیات ۳۴ و ۱۲۸، «نشوز» به‌وضوح به یکی از زوجین نسبت داده شده است. این نشان می‌دهد که «نشوز» عملی است که هر یک از طرفین ممکن است مرتکب شوند (پس تعریف آن به «نافرمانی» نادرست است) و نمی‌تواند به چیزی مبهم اشاره داشته باشد که نتوان به راحتی آن را به یکی از زوجین نسبت داد (پس تعاریفی مانند «ستیزه‌جویی» نیز مردود است، چرا که معمولاً در مورد مقصر بودن یکی از طرفین اختلاف نظر وجود دارد). اگر «نشوز» را به معنای خیانت جنسی بفهمیم، این مشکلات تفسیری به کلی رفع می‌شوند: در هر دو مورد، آیه به ترس یکی از زوجین از خیانت طرف دیگر اشاره دارد.

<sup>3</sup> ثاقب پس از چندین سال تحصیل در دمشق و سپس قاهره، مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات اسلامی و تاریخ در دانشگاه آکسفورد به پایان رساند و در حال حاضر در سال آخر دکترای خود در رشته مطالعات شرقی در این دانشگاه است.

چرا اگر شوهر به زنش مشکوک باشد، باید ابتدا او را موعظه کند و سپس از بستر او دوری کند، اما در حالت عکس (ترس زن از نشوز شوهر)، توصیه به مصالحه می‌شود؟

دو پاسخ — که لزوماً متناقض نیستند — قابل طرح است:

۱. این تفاوت می‌تواند ناشی از قوانین نامتقارن چندمصری باشد؛ جایی که قرآن چندزنی را مجاز می‌داند (آیه ۳ نساء)، اما چندشوهری را نه. بنابراین، برخلاف «نشوز» زن، راه‌حل ساده‌ای برای خارج کردن رفتار شوهر از حیطة حرام وجود دارد: ازدواج مجدد مرد. «مصالحه» در آیه ۱۲۸ می‌تواند به این معنا باشد که زوجین توافق می‌کنند شوهر همسر دیگری اختیار کند. این توضیح می‌دهد که چرا آیه بعدی بلافاصله هشدار می‌دهد که شوهر نباید به‌طور کامل به یکی از همسرانش تمایل پیدا کند و دیگری را رها کند (آیه ۱۲۹).

۲. امکان دوم این است که تفاوت در مقررات «نشوز» زنان به دلیل جلوگیری از انتساب نادرست فرزند نامشروع به مرد است. قرآن به‌وضوح در آیات ۴-۵ سوره احزاب از این امر ابراز ناخرسندی می‌کند:

«و آنانی را که به ناحق پسرخوانده‌تان می‌خوانید، پسران واقعی شما نیستند... آنان را به نام پدرانشان بخوانید که این در پیشگاه خدا عادلانه‌تر است...»

عبارت «وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» در آیه ۱ نساء نیز ممکن است ناظر به همین دغدغه باشد؛ یعنی ضرورت استوار بودن روابط خانوادگی بر پایه‌های مشروع. در آیه ۳۴ نساء، الزام شوهر به ترک بستر زن در صورت سوءظن به «ناشزه» بودن او، احتمال انتساب نادرست فرزند را کاهش می‌دهد. حتی این کار ممکن است زن را تحت فشار قرار دهد تا از ترس آشکار شدن خیانتش — در صورت بارداری در حالی که شوهر از رابطه با او امتناع کرده — رابطه نامشروع خود را قطع کند. اما در حالت عکس، اگر زن از بستر شوهر «ناشز» دوری کند، این کار نه‌تنها احتمال تولد فرزند نامشروع را کاهش نمی‌دهد، بلکه اگر شوهر با زن دیگری رابطه داشته باشد، تنها راه برای اطمینان از انتساب صحیح فرزند، ازدواج با آن زن است.

نکته پایانی این است که در زبان عربی، صفت‌هایی که منحصراً برای زنان به کار می‌روند، اغلب فاقد علامت مؤنث (مانند تاء مربوطه) هستند، مانند: «حائض»، «حامل»، و «کاعب». واژه «ناشز» نیز در این دسته قرار می‌گیرد، که نشان می‌دهد در فرهنگ عرب پیش از اسلام، این عمل تنها جرمی زنانه تلقی می‌شده است. به نظر می‌رسد قرآن در معرفی مفهوم «نشوز» برای مردان — در کنار زنان — پیشگام بوده است. این توجه به تعادل جنسیتی در قرآن توسط پژوهشگرانی مانند هولگر زلنتین نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در مقاله ناقب الحسین این نکته مورد تأکید است که کاربرد واژه نشوز در خارج از متون فقهی و تفسیری، در ادبیات پیش از اسلام و صدر اسلام از ثبات معنایی قابل توجهی برخوردار است و همواره به تمایل زن برای ترک شوهرش - و به طور خاص، ارتباط نامشروع با مرد دیگری - اشاره دارد.

### 13. مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی پیرامون مسأله نشوز

#### مقایسه راهکارهای قانونی در کشورهای مختلف

مسئله نشوز (نافرمانی زن یا شوهر در خانواده) در قوانین کشورهای مختلف، به ویژه در نظام‌های حقوقی اسلامی و غربی، رویکردهای متفاوتی دارد. در اینجا، قوانین ایران را با کشورهای اسلامی (مثل عربستان، مالزی، مراکش) و کشورهای اروپایی مقایسه می‌کنیم.

همانطور که گفته شد مفهوم «نشوز» در فقه و حقوق برای مرد وزن متفاوت است. نشوز زن عبارت است از خودداری از انجام وظایف زناشویی یا خانوادگی بدون دلیل موجه (مثل تمکین نکردن). و نشوز مرد همان ترک انفاق، خشونت، یا غیبت طولانی‌مدت است. در فقه اسلامی، راهکارهای مقابله با نشوز زن در آیه ۳۴ سوره نساء ذکر شده (پند، هجر در بستر، فاصله گرفتن عاطفی)، اما در قوانین امروزی، این مجازات‌ها تعدیل شده‌اند.

#### 13/1. ایران (بر اساس قانون مدنی و مجازات اسلامی)

حق حبس زن: اگر شوهر نفقه ندهد، زن می‌تواند تمکین نکرده و حتی از دادگاه تقاضای طلاق کند (ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی).

**نشوز زن:** اگر زن بدون دلیل موجه از تمکین خودداری کند، نفقه به او تعلق نمی‌گیرد (ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی). در صورت اصرار بر نشوز، شوهر می‌تواند درخواست طلاق دهد. ضرب (تنبیه بدنی) در قانون ایران جرم است و اگر مردی همسرش را بزند، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد (ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی).

البته اگر نشوز را به معنای خیانت جنسی معنا کنیم، در قوانین جزائی ایران، ماده 630 بدین نحو تعبیه شده است که؛ هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

با معنای صحیح در قبال عبارت نشوز و ضرب در آیه 34 و 128 سوره نساء، در واقع به غلط بودن ماده 630 قانون جزائی ایران که مشهور به قتل در فراش است، علم پیدا می‌کنیم و این در حالی است که چنین اقدامی مبنی بر به قتل رساندن زن توسط شوهر به وقت خیانت، در هیچ یک از قوانین دیگر کشورها وجود ندارد هرچند که چنین قانونی در گذشته در جوامعی که نگاه‌های مردسالارانه داشته‌اند، وجود داشته است.

**نشوز مرد:** اگر مرد نفقه ندهد، حبس از ۳ ماه تا ۵ سال برای او در نظر گرفته می‌شود (ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده).

#### ۱۲/۲. عربستان سعودی (فقه حنبلی)

**نشوز زن:** مرد می‌تواند زن را تنبیه سبک کند (طبق تفسیر سنتی) و در صورت تمکین نکردن، مرد می‌تواند از پرداخت نفقه خودداری کند. زن ناشزه حق طلاق ندارد مگر در موارد خاص (مثل خشونت شدید).

**نشوز مرد:** اگر مرد نفقه ندهد، زن می‌تواند به دادگاه شرعی شکایت کند، اما اجرای آن سخت است.

#### ۱۲/۳. مالزی (تلفیق فقه شافعی و قوانین مدرن) مالزی (قوانین اسلامی شافعی)

تعریف نشوز زن: امتناع از تمکین یا ترک خانه بدون دلیل موجه که در قانون خانواده اسلامی مالزی (۱۹۸۴) اینطور آمده است که پیامد آن مشاوره اجباری توسط دادگاه خانواده می‌باشد و در صورت اصرار، مرد می‌تواند درخواست طلاق دهد.

تعریف نشوز مرد: عدم پرداخت نفقه یا ترک خانواده که پیامد آن حبس تا ۶ ماه یا جریمه نقدی (طبق قانون خانواده اسلامی ۱۹۸۴). همچنین زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

#### ۱۲/۴. مراکش (قانون خانواده اصلاح شده ۲۰۰۴) مدرن‌ترین قانون در جهان اسلام

تعریف نشوز زن: امتناع غیرمنطقی از انجام وظایف زناشویی که پیامد آن مشاوره خانواده اجباری است در عین حال که این قانون به مرد اجازه تنبیه بدنی نمی‌دهد.

تعریف نشوز مرد: ترک انفاق، خشونت، یا غیبت طولانی که در این حالت زن می‌تواند طلب طلاق کند و مرد به پرداخت نفقه عقب‌افتاده محکوم می‌شود.

#### ۱۲/۵. کشورهای اروپایی (حقوق سکولار)

هیچ کشوری «نشوز» را جرم نمی‌داند، زیرا تمکین اجباری نقض حقوق بشر است و در صورت اختلاف، مشاوره خانواده یا طلاق تنها راه حل است. خشونت خانگی جرم سنگینی محسوب می‌شود (حبس و محرومیت از حق حضانت) و در رابطه با نفقه، در صورت خودداری مرد، زن می‌تواند از طریق دادگاه درخواست الزام به پرداخت کند.

در جدول ذیل، وضعیت قوانین کشورهای اسلامی و اروپایی در خصوص نشوز مرد و زن نشان داده شده است.

جدول تطبیقی مجازات نشوز در کشورهای مختلف

کشور	نشوز زن	نشوز مرد (ترک نفقه)	خشونت خانگی
عربستان	محرومیت از نفقه + تنبیه سبک	جریمه یا الزام دادگاه	اغلب نادیده گرفته می‌شود
مالزی	مشاوره اجباری	حبس تا ۶ ماه	جرم کیفری

جرم کیفری	حق طلاق برای زن	مشاوره اجباری	مراکش
جرم سنگین (حبس)	الزام به پرداخت نفقه	عدم اجبار به تمکین	آلمان/فرانسه

### نتیجه گیری

در بحث اشتراکات و تفاوت‌های تعریف نشوز در کشورهای اسلامی (مانند ایران، عربستان، مالزی)، نشوز زن عمدتاً به «عدم تمکین» تعریف می‌شود، در حالی که نشوز مرد حول محور «ترک انفاق» است. در نظام‌های حقوقی اروپایی، مفهوم نشوز به رسمیت شناخته نمی‌شود و اختلافات زناشویی از طریق مشاوره یا طلاق حل می‌شود. تحولات اخیر در برخی کشورهای اسلامی (مانند مراکش و مالزی) حاکی از آن است که با اصلاح قوانین، مجازات‌های تنبیهی را حذف و سازوکارهای مدرن مانند مشاوره اجباری را جایگزین کرده‌اند. دیدیم که از چالش‌های رویکرد سنتی، تعریف نشوز مبتنی بر تمکین یک‌جانبه زن و مجازات‌هایی مانند قطع نفقه یا ضرب است که با مفاهیم حقوق بشر و روح اسلام در تعارض است و حتی در عمل، این قوانین ممکن است به خشونت خانگی مشروعیت بخشد یا زنان را در موقعیت آسیب‌پذیر قرار دهد.

از سوی دیگری تأکید بر حل اختلاف از طریق گفت‌وگو (مثل مدل مراکش) یا مسئولیت‌پذیری مردان در پرداخت نفقه (مثل ایران و مالزی) از نقاط قوت رویکردهای نوین می‌باشد.

پیشنهاد‌های اصلاحی محقق برای بازتعریف مفهوم نشوز در چارچوب فقه پویا و حقوق مدرن، شامل موارد زیر است:

۱. تعریف دوسویه از نشوز (هم برای زن و هم برای مرد) با تأکید بر معنای مدنظر خالق انسان در قرآن که با توجه به مباحث مطرح شده این موضوع تنها مختص روابط فرازناشویی می‌باشد و سایر اختلافات زناشویی را با عنوان «شقاق» در آیه 35 سوره نساء می‌بایست لحاظ کرد و شقاق بمعنای ناسازگاری شدید میان زوجین می‌باشد.

۲. حذف هرگونه مجازات فیزیکی یا روانی و جایگزینی آن با مکانیسم‌های غیرتنبیهی (مانند مشاوره یا داوری).

۳. تقنین قوانین حمایتی و جرم‌انگاری خشونت خانگی به صورت شفاف (مانند قوانین اروپایی) و حذف قوانینی مانند قتل در فراش از ساحت قوانین ایران

۴. آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق ترویج اخلاق خانوادگی مبتنی بر قرآن (مدارا، عدالت، رحمت) به جای تکیه بر مفاهیم سخت‌گیرانه نشوز.

محقق این مقاله در کتابی تحت عنوان «نفی خشونت به وقت خیانت» به بررسی دقیقی معانی کلمه ضرب در قرآن پرداخته است و وقتی با حوصله و دقت علمی به مطالعه این کتاب بپردازید، خواهید دید که با توجه به نگاه نویسنده کتاب و جمع‌آوری صورت گرفته، خدای متعال در 14 قرن پیش، در خصوص موضوعی بسیار خاص در زندگی زناشویی آن هم در آن فضای مردسالارانه عربی، در مباحث مرتبط با ارتباطات فرازناشویی (دوستی زن متاهل با مردی دیگر و بالعکس)، چطور از بروز خشونت بوسیله وحی، ممانعت بعمل آورده است. این تبیین صورت گرفته در آیه 34 سوره نساء در مقابل نشوز زن، دستورالعملی مناسب و صحیح در مواجهه با روابط فرا زناشویی است، که در صورت اجرای صحیح این مراحل سه‌گانه در آیه مذکور، امکان کشف چرایی نشوز زن و نیز امکان اصلاح مسالمت‌آمیز، وجود خواهد داشت. در کتاب مذکور، معنای صحیح برای کلمه «ضرب» در آیه 34 سوره نساء، دوری کردن و فاصله گرفتن مرد از زن ناشزه است و معنای کتک زدن صحیح نمی‌باشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم سنتی «نشوز» در بسیاری از نظام‌های حقوقی اسلامی، نیازمند بازنگری اساسی است. با الهام از تحولات اخیر در کشورهایی مانند مراکش و مالزی، می‌توان با جایگزینی مجازات‌های تنبیهی با سازوکارهای گفت‌وگومحور، گامی به سوی تحقق خانواده‌ای عادلانه و عاری از خشونت برداشت.

## منابع:

## مقاله‌ها:

1. نشریه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوم، شماره اول، 1384 از مهدی مهریزی
  2. قاینی، محسن، (۱۳۷۳) «کتک زدن زن یکی از آثار ریاست مرد»، مجله‌ی زنان، ش ۱۹، ص
  3. موسوی رکنی، علی اصغر و دهقان منشادی، نجمه، تنبیه زوجه از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، ص 42، مباحث بانوان شیعه «تابستان 1387 - شماره 16 از صفحه 165 تا 206)
  4. هاشمی علی‌آبادی، سیداحمد، بررسی شبهه اخلاقی سلب کرامت زنان در صدر آیه 34 سوره نساء، نشریه پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، زمستان 1394
  5. ابوسلیمان، عبد الحمید احمد، ضرب المرأة وسیله لحل الخلافات الزوجية، دمشق، دار الفکر، 1422ق
  6. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
  7. موسوی رکنی لاری، سیدمجتبی؛ «حقایق پنهان در آیات قرآن»؛ بینات، سال یازدهم، ش 3، 1384.
  8. مهریزی، مهدی؛ تطور دیدگاه‌های فقها در تفسیر آیه 34 سوره نساء؛ مقاله دست نویس، ص 20.
  9. مقاله **The Bitter Lot of the Rebellious Wife: Hierarchy, Obedience, and Punishment in Q.**  
4:34 نوشته ثاقب الحسین - دانشگاه آکسفورد - <https://doi.org/10.3366/jqs.2021.0466>
- کتاب‌ها:
10. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور، 30 جلد، مؤسسه‌ی تاریخ‌العربی - لبنان - بیروت، چاپ 1420ه‌ق
  11. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، جلد 30، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ 1
  12. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، 12 جلد، دار المعرفه - لبنان - بیروت، چاپ 1، 1414 ه.ق.
  13. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، 2 جلد، وجدانی - ایران - قم، چاپ 1:
  14. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، 16 جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ 1، 1415 ه.ق.
  15. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، 14 جلد، ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات - ایران - تهران، چاپ 1، 1368 ه.ش.
  16. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر) مفاتیح الغیب(، 32 جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ 3، 1420ه.ق.
  17. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، 25 جلد، دار الملائک - لبنان - بیروت، چاپ 1، 1419 ه.ق.
  18. قطب، سید، فی ظلال القرآن، 6 جلد، دار الشروق - لبنان - بیروت، چاپ 35، 1425 ه.ق.
  19. مغنیه، محمدجواد، 1424 ه.ق، التفسیر الکاشف، 7 جلد، - ایران - قم، چاپ 1، دار الکتب الإسلامی.
  20. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلیزام المخالفین، 10 جلد، کتابفروشی اسلامیه - ایران - تهران، چاپ 1، 13ه.ش.
  21. قرائتی، محسن، تفسیر نور، 10 جلد، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - ایران - تهران، چاپ 1، 1388 ه.ش.
  22. ابن عربی (۱۳۳۱)، احکام القرآن، قاهره.

23. ابن منظور (۱۳۰۰)، لسان العرب، ۲۰ ج، بولاق
24. ابوالسعود محمد بن محمد ابی تا، تفسیر ابی السعود، المسمی ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
25. البحرانی، هاشم (۱۴۱۵)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة.
26. حیان الاندلسی الغرناطی، محمد بن یوسف. (۱۴۰۳)، تفسیر البحر المیحت، ۸ ج، بیروت، دارالفکر.
27. رامیار، محمود (۱۳۶۲)، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر. نج رشید رضا، محمد (۱۹۵۴)، تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار، تقریرات درس شیخ محمد عبده ج ۱، مصر (۱۳۷۳ ق).
28. زمخشری، جارالله محمود بن عمر ابی تا، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل، لبنان دارالفکر
29. زنجانی، ابو عبدالله مجتهد (۱۳۳۸)، تاریخ القرآن، بیروت.
30. سیوطی، جلال الدین بی تا، الذر المنثور فی التفسیر المأثور ابی جا
31. طالبی، محمد [۱۹۹۶، امه الوسط، بی نا |
32. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب. از، طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۱)، جوامع الجامع، ج ۱، مقدمه و تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم گرچی، دانشگاه تهران
33. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۶)، مجمع الیان فی تفسیر القرآن، به تصحیح الحاج السید هاشم الرسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
34. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۹۹۵)، التفسیر الکبیر، بیروت (۱۴۱۵)
35. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۳۴)، تفسیر صافی، طهران، انتشارات کتابفروشی محمودی.
36. قرطبی (۱۹۳۳)، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، بی جا.]
37. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷)، تفسیر القمی، چاپ طیب موسوی جزائری، نجف .
38. گلایری، علی (۱۳۸۲)، «اسلام و مسئله ضرب زن» رواق اندیشه، ش ۲۷ .
39. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰) فصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۵ و ۲۶. (۱۳۹۶)، التمهید فی علوم القرآن، ۴ ج، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
40. مکارم شیرازی، ناصر زیر نظر (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه، قم.
41. واحدی نیسابوری، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۹)، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب.
42. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
43. آذرنوش، آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی؛ تهران: اسلامیه، 1379.
44. ابن عربی، ابی بکر محمد بن عبدالله؛ احکام قرآن؛ تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، [ابی تا.]
45. ابن همام الصنعانی، ابی بکر عبدالرزاق؛ المصنف؛ تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت: مجلس العلمی، 1390.
46. ابوزهره، محمد؛ محاضرات فی عقد الزواج و آثاره؛ قاهره: دارالفکر العربی، 1985.
47. اردبیلی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)؛ زبده البیان فی احکام القرآن؛ تهران: مکتبه المرتضویه، [ابی تا.]
48. اصفهانی، بهاءالدین محمد (فاضل هندی)؛ کشف اللثام عن قواعد الاحکام؛ ج 2، قم: مؤسسه النشر الاسلامیه التابعه لجماعه المدرسین، 1422.
49. الفندی، محمد حبیب؛ حوارات الحره حول المرأه فی الاسلام التذقی اللغوی؛ مختار فوزی النعال، [ابی جا]، دارالرضوان، 2000.

50. امامی، سیدحسین؛ حقوق مدنی؛ چ 2، تهران: کتابفروشی اسلامیة، 1342.
51. بجنوردی، سیدمحمد؛ «اسلام خشونت علیه زن را نمی پذیرد»؛ ماهنامه حقوق زنان، سال اول، ش 3، 1377.
52. بحرانی، یوسف؛ حدائق الناضره فی احکام العترة الطاهرة؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامیه التابعه لجماعة المدرسين، [ابی تا.].
53. بروجردی، سیدابراهیم؛ تفسیر جامع؛ تهران: کتابخانه صدر، [ابی تا.].
54. جوادی آملی، عبدالله؛ حق و تکلیف؛ قم: نشر اسدی، 1384.
55. حجتی، محمدباقر؛ تفسیر کاشف؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1363.
56. خرمشاهی، بهاءالدین؛ قرآن کریم همراه با ترجمه؛ توضیحات و واژه نامه، تهران: انتشارات نیلو فروجمی، 1374.
57. خوانساری، سیداحمد؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ چ 2، تهران: مکتبه صدوق، 1389.
58. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ چ 2، تهران: دانشگاه تهران، 1377.
59. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق: صفوان عرفان داوودی، بیروت: دارالفتح الدارات، 1992.
60. طبرسی، فضل بن حسن؛ تفسیر جوامع الجامع؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1418.
61. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد؛ الجامع الاحکام الفقهیه؛ قاهره: دارالحديث، 1416.
62. نجفی، محمدحسن؛ الجواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ حقق و علق علیه، محقق القوچانی، چ 7، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، 1981.
63. قرائتی، محسن، 1388 ه.ش، تفسیر نور، 10 جلد، - ایران - تهران، چاپ: 1، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن
64. جوادی آملی، تفسیر تسنیم - جلد 18 - صفحه 547
65. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، 13 ه.ش، منهج الصادقین فی إزام المخالفین، 10 جلد، - ایران - تهران، چاپ 1، کتابفروشی